



مجموعه رشد جوان  
www.roshdmag.ir

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای هنرجویان هنرستان  
دوره اول / سال ۱۳۹۹ / شماره بی‌در پی ۲ / ۴۰ صفحه / ۳۵۰۰۰ ریال

# مکانیک پایه اول





وزارت آموزش و پرورش  
مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
مقراتمات و فناوری آموزشی

# فراخوان یازدهمین جشنواره عکس رشد

الف) گروه سنی بزرگسال

- فرهنگیان
- عکاسان آزاد

موضوع

- «مدرسه، خانواده دوم»  
آموزش مجازی (کرونا و آموزش، آموزش در قرنطینه، مشارکت خانواده‌ها و ...)  
معلم (تدریس، رفاقت، مشاوره، بازی با دانش آموز و ...)  
دانش آموز (درس خواندن، مشارکت در فعالیت‌های مدرسه، دوستی، کار گروهی و ...)  
فضای مدرسه (کلاس، معماری، کتابخانه، بوفه، نمازخانه، حیاط، آب‌خوری، آزمایشگاه، اتاق بهداشت، گرافیک محیطی، دفتر معلمان و ...)  
هنرستان (کار عملی، کارگاه، هنر آموز و هنرجو، اشتغال و ...)  
در راه مدرسه (سرویس مدرسه، پیاده به سوی مدرسه، گروه دوستان و ...)  
انواع مدرسه (هوشمند، ماندگار، چندپایه، روستایی، عشایری و شهری)  
برنامه‌های مدرسه (جشن شکوفه‌ها، روز معلم، صبحگاه، پرچم، کتابخوانی، زنگ تفریح، جشن، مناسبت‌های مذهبی، راهپیمایی، آغاز سال تحصیلی، نمایشگاه‌ها، دوستی‌ها و قهرها، شورای دانش‌آموزی، شورای معلمان، جلسات اولیا و مربیان و ...)  
برنامه‌های جنبی (انجام تکلیف، والدین و مدرسه، گردش علمی، اردو، نماز و ...)

۲. ایران، سرزمین پرگهر

«حجاب و عفاف» «اعیاد مذهبی و ملی» «سبک زندگی ایرانی، اسلامی» «آیین‌های قومی و منطقه‌ای» «محیط زیست» «شرایط ویژه کرونا (شامل: بهداشت، درمان، ایثار و فداکاری، کادر درمان و گردشگری) (اماکن گردشگری به ویژه در شرایط بیماری کرونا) «طبیعت (جنگل‌ها، پارک‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و ...)  
«اجتماعی: تعاملات مردم با هم، حاشیه‌نشینی، اعتیاد، کودکان کار و ...»  
«فرهنگی: اماکن فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی و ...» «خانواده: فرزندان، در پارک، در منزل و ...» «پوشش‌ها و بازی‌های محلی (به ویژه استان‌های مرزی)  
«بناهای ملی و مذهبی (مسجد، آرامگاه، قلعه، موزه و ...)

۳. بخش جنبی (گام دوم انقلاب)

«دستاوردها» «معنویت» «الگوها» «محروریت زدایی» «نیایش» «کارآفرینی» «خدمات اجتماعی» «پژوهش» «ایثار و عدالت» «کار جهادی» «کمک‌های مؤمنانه»

ب) گروه سنی دانش‌آموزی

«موضوع آزاد»؛ این بخش به دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم تعلق دارد.

گاه‌شمار: «آخرین مهلت ارسال آثار: ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۹»

- انتخاب و داوری آثار: دی ماه ۱۳۹۹
- افتتاح نمایشگاه: بهمن ماه ۱۳۹۹
- اهدای جوایز و برگزاری مراسم اختتامیه: بهمن ماه ۱۳۹۹

برای مقررات، جوایز و امتیازات به وب سایت جشنواره مراجعه نمایید.

نشانی دبیرخانه جشنواره:

تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، طبقه دوم، دبیرخانه جشنواره عکس رشد. صندوق پستی ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵  
برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه جشنواره، به نشانی <http://ax11.roshd.ir> مراجعه کنید یا با شماره تلفن‌های ۸۸۸۳۹۲۳۲ و ۸۸۴۹۰۴۱۴ تماس بگیرید.



## سرمایه پایدار

در روزگار قبل از کرونا، به همراه تعدادی از سردبیران مجلات رشد رفته بودیم برای دیدار معلمان و دانش آموزان خراسان جنوبی. در برنامه سفر، سری هم به مدرسه شوکتیه در بیرجند زدیم؛ مدرسه‌ای بسیار بزرگ با معماری چشم‌نواز ایرانی که حالا به موزه آموزش و پرورش استان تبدیل شده است. در میان اسناد موزه، یک نامه اداری توجه مرا جلب کرد. با خطی زیبا نوشته شده بود: «همه شاگردان مدرسه باید تا پایان سال تحصیلی شغل پدرانشان را یاد بگیرند و امتحان بدهند...»

البته امروز، به دلیل پیچیدگی شغل‌ها، شاید یادگیری شغل پدران به این سادگی‌ها نباشد، اما کار و تلاش نزد پدران ما قطعاً چیزی فراتر از نان در آوردن بوده است. آن‌ها کار را وسیله‌ای برای انسان‌شدن و رشد و کمال می‌دانستند. معتقد بودند، دانش بی‌عمل نه تنها سودی ندارد، بلکه ممکن است موجب غرور بی‌جا و گمراهی شود. به نظر من، ما می‌توانیم این ویژگی شغل‌های پدرانمان را بیاموزیم.

واقعیت این است که مهم‌ترین سرمایه هر ملتی، جوانان آن هستند؛ سرمایه‌های فراتر از نفت و گاز و مس و آهن و این‌گونه منابع معدنی؛ سرمایه‌ای که اگر پرورش نیابد، همه منابع دیگر بی‌فایده خواهند بود. وقتی یک فکر توانمند به ساخت دارویی موفق می‌شود، می‌تواند به اندازه میلیون‌ها بشکه نفت سودمند باشد و قدمی برای رفع مشکلات هم‌نوعان بردارد.

بر کسی پوشیده نیست که کفگیر منابع طبیعی دیر یا زود به ته دیگ خواهد رسید. باید همت کنیم و در فکر استخراج منبع عظیمی باشیم که خداوند به هر کدام از ما هدیه داده است. این منبع نه تمام می‌شود و نه قابل تحریم است. این سرمایه شما هستید.

محمد علی قربانی

- ۲ عیب و هنر آزادکاری
- ۶ از شما حرکت
- ۸ برنامه‌های کاردرست
- ۱۰ به خاطر دایی
- ۱۴ کاری کن بهت بیاد
- ۱۶ مچ تنبلی را وا کن
- ۲۰ بزن قدش
- ۲۲ تاکسی همراه
- ۲۴ صنایع ادبی
- ۲۶ ما را رنگ نکن
- ۲۸ رشته همه فن حریف
- ۳۰ مکانیک توپ
- ۳۲ طنزیمات
- ۳۴ من خشمگین نیستم
- ۳۶ سرکاری
- ۳۸ اعتماد الکترونیک

عکس قضیه صادق است

رشته گل‌دار

یک بورس کوچولو



نشانی دفتر مجله: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶  
 صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۲۳۳۱  
 تلفن دفتر مجله: ۸۸۶۷۳۳۱  
 شماره: ۸۸۳۰۱۴۷۸  
 رایانامه (پست الکترونیک): roshdehonarju@roshdmag.ir  
 تلفن امور مشترکان: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶-۸۸۸۶۷۳۰۸

مدیر مسئول: محمدابراهیم محمدی  
 سردبیر: محمدعلی قربانی  
 شورای سردبیری: سیدمصطفی آذرکیش، مهدی اسماعیلی، افشار بهمنی، مژگان علیرضا، محمدعلی قربانی، مرتضی مجدفر، کبری محمودی، حمید یزدانی  
 شورای تیترو: مهدی استاد احمد، سعید طلائی، سیدعلی اکبر میرجعفری  
 مدیر هنری: کوروش پارسائزاد  
 مدیر داخلی: کبری محمدی  
 طراح گرافیک: ایمان اوجیان  
 دبیر عکس: پرویز فراگوزلی  
 ویراستار: بهروز راستانی

## عیب و هنر آزادکاری

در مورد آزادکاری یا فریلنسری به‌طور مشروح صحبت کرده‌ایم. در این شماره، مزایا و چالش‌های آزادکار بودن را بررسی می‌کنیم. درباره آزادکاری دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. برخی آن را شغل رویایی خود می‌دانند. این افراد مصمم هستند که به‌طور ویژه به آن بپردازند و به عمق آن برسند؛ صرف‌نظر از اینکه هیچ‌گاه به اندازه برخی مشاغل شرکتی کار نمی‌کنند. برخی دیگر آن را بیش از حد پراسترس می‌دانند. یعنی حتی اگر به آن‌ها اطمینان داده شود که دو برابر بیشتر از آنچه در کار فعلی خود انجام می‌دهند، درآمد کسب می‌کنند، باز هم آن را امتحان نمی‌کنند. باید در نظر داشت، آزادکاری می‌تواند استرس‌زا باشد، اما به همان اندازه جذاب، پرهیجان و درآمدزاست. بنابراین، شناخت مزایا و معایب آزادکاری، برای کسب درآمد از آن، بسیار حائز اهمیت است، زیرا می‌تواند فرد را در انتخاب مسیر یاری کند.

### مزایا

- ساعت‌ها و مکان کار انعطاف‌پذیر دارید؛ یعنی هر زمان و در هر مکانی که می‌خواهید، می‌توانید برای انجام پروژه وقت بگذارید. همچنین، برنامه‌ریزی‌ها آزادی و انعطاف‌پذیری بیشتری خواهید داشت.
- رئیس خود و مستقل هستید؛ یعنی به هیچ‌کس پاسخگو نیستید، به‌جز مشتریان خود. بنابراین، تصمیم می‌گیرید کدام پروژه را قبول کنید و می‌توانید مشتری خود را انتخاب کنید. شما می‌توانید پروژه‌ها را به‌صورت دلخواه طراحی و در آن‌ها تغییراتی را اعمال کنید، بدون اینکه مدیر ارشدی وجود داشته باشد که درباره این تغییرات تصمیم بگیرد.
- آزادکارها عموماً از برگزاری کاغذبازی‌های متداول فراری هستند، زیرا اعتقاد دارند این کار اتلاف وقت است. اگر می‌خواهید کاری را انجام دهید، فقط می‌توانید پیش بروید و دیگر لازم نیست مدیران بالادستی را برای انجام آن متقاعد و توجیه کنید.
- تشویق‌ها مال خودتان است. وقتی در یک سازمان کار می‌کنید و مدیر بالادستی دارید، اگر از خود خلاقیت و نوآوری نشان دهید، عموماً مدیر



شما تشویق می‌شود و تقدیرنامه دریافت می‌کند. در حالی که اگر آزادکار باشید، تمام این افتخارات برای شما خواهند بود.

- می‌توانید در هزینه‌های خود صرفه‌جویی کنید. برای مثال، به‌جای اجاره مکان برای کار و کسب خود، می‌توانید کارها را در منزل انجام دهید و از بستر اینترنت برای توسعه کار و کسب‌تان استفاده کنید.
- می‌توانید در بازارهای جهانی کار کنید و درآمد ارزی داشته باشید. فریلنسرها می‌توانند با کارفرمایان در سراسر دنیا کار کنند و درآمد ارزی کسب کنند.

### چالش‌ها

- چنانچه سفارش‌های خود را به‌موقع تحویل ندهید یا با نقص تحویل دهید، حتماً مشتریان خود را از دست می‌دهید.
- زمانی که رئیس داشتید، وظیفه تأمین و پرداخت حقوق بر عهده او بود و حقوق ثابت داشتید. حال که خودتان رئیس هستید، این وظیفه به عهده شماست، بنابراین باید مراقب درآمد و هزینه‌هایتان باشید.
- بین زمان کار و زمان استراحت شخصی فرقی نیست. رئیس خود بودن و کار کردن در خانه به این معنی است که تفکیک بین زمان کار و

### مزایای استفاده از آزادکارها برای کارفرمایان

- انتخاب بهترین آزادکارها با توجه به میزان علم و تجربه آنان، با مشاهده نمونه کارهایشان. از آنجایی که آزادکاری محدوده جغرافیایی ندارد، می‌توان آزادکارهای کارآمد را از هر جایی برای انجام پروژه فراخواند.
- هزینه کارفرمایان کاهش می‌یابد، زیرا بسیاری از تعهداتی را که به کارمند رسمی خود دارند، نسبت به آزادکارها ندارند؛ مانند پرداخت حقوق ثابت و بیمه.
- کارفرما با برون‌سپاری پروژه‌ها به فکر توسعه کار و کسب و خلق ایده‌های جدید می‌افتد.
- با توجه به اینکه آزادکارها متخصص کار خود هستند، برون‌سپاری پروژه، کیفیت کار را بالا می‌برد.

را انجام دهند، بسیار آزاردهنده است. شما به‌عنوان آزادکار با تجربه باید بازار کار را به‌سوی خود هدایت کنید.

- آزادکارها باید خیلی بیشتر از کارمندان سخت‌کوش باشند. کارمندان حتی اگر هم کارشان را ناقص انجام دهند، در پایان ماه حقوق دریافت می‌کنند. در مورد آزادکارها موضوع به کلی متفاوت است. آن‌ها باید برای کسب درآمد و جلب نظر مشتریان و افزایش آنان سخت تلاش کنند. تقویت در همه جنبه‌ها، از قدرت مذاکره تا به‌روز بودن در علم و دانشی که در آن آزادکار شده‌اند، لازم است. ضعف در این موارد امنیت شغلی آنان را پایین می‌آورد.

- چالش‌هایی با مشتریان پیش می‌آید. بعضی از مشتریان برخورد مناسب ندارند و بعضی دیگر مطالبات آزادکار را به‌موقع پرداخت نمی‌کنند و خیلی از موارد دیگر. در این شرایط آزادکار باید با مدیریت صحیح مشتری را راضی نگه دارد و او را به راه مدنظر هدایت کند؛ طوری که در نهایت مشتری راضی باشد و نتواند از پرداخت هزینه پروژه خود شانه خالی کند.

با توجه به موارد بیان شده می‌توان دریافت، آزادکاری جنبه‌های مثبت و منفی دارد. فقط باید تصمیم بگیرید آیا مایل به پذیرفتن خطری هستید که تقریباً همیشه با آن همراه است یا خیر! آزادکاری به معنای آزادی حرفه‌ای است. همچنین، به معنای بی‌ثباتی و پذیرفتن خطر شکست است. امکان دارد این چیزی نباشد که شما در زندگی حرفه‌ای خود به آن نیاز دارید، اما اگر در مقابل کارهای سنتی ریسک‌پذیر هستید، می‌توانید خود را به یک برند تبدیل کنید.



زندگی شخصی شما دشوار است. این بدان معنی است که شما می‌توانید ساعات‌های طولانی کار کنید و هرگز برای زندگی شخصی خود وقت نگذارید!

- اطمینان کمتری به انجام پروژه وجود دارد. زمانی که به‌تنهایی تصمیم می‌گیرید، تمام عواقب بر عهده شماست و خودتان باید پاسخگوی مشتری باشید. همچنین امکان مشورت کردن و شنیدن نظرات همکاران از شما سلب می‌شود.

- شما اکنون مسئولیت یافتن کلیه مشتریان و پروژه‌های خود را بر عهده دارید. زمانی که به‌صورت سنتی کار کنید، احتمالاً پروژه‌های خودتان به شما واگذار می‌شوند، اما اکنون شما تنها فرد مسئولیت‌پذیر هستید. بنابراین، باید همه کارهای بازاریابی، تبلیغات و فروش را خودتان انجام دهید.

- شرایط بازار همیشه ایده‌آل نیست و امکان دارد تا مدتی کساد باشد. باید آمادگی مواجهه با چنین شرایطی را داشته باشید.

- بازنشستگی و بیمه در آزادکاری وجود ندارد و برای این دو مورد باید راهکار مناسب پیدا کنید.

- رقابت با آزادکارهای تازه‌کار که حاضرند با قیمت‌های پایین‌تر پروژه‌ای



# عکس قضیه صادق است



۲. از هنرجویان رشته عکاسی بهره بگیرید. گاهی دسترسی به ایشان آسان نیست. پس برویم راه سوم!

۳. خلاقیت را به خدمت بگیرید. پس خودتان دست به کار شوید. شما می‌توانید از فرد بی‌تجربه‌ای که فقط عکس‌های سلفی تکراری و لوس می‌گیرد، به یک عکاس تبلیغاتی به‌نسبت حرفه‌ای تبدیل شوید؛ حتی اگر با تلفن همراه عکس می‌گیرد. در اینجا برخی از نکات و تکنیک‌های ساده عکاسی را شرح می‌دهیم:

**از نورپردازی مناسب استفاده کنید.**

بدون نور مناسب، محصول شما جلوه کافی نخواهد داشت. برای روشنایی عکاسی از محصول، دو گزینه وجود دارد: ۱. نور استودیو؛ ۲. نور طبیعی. در بیرون از ساختمان، از نور طبیعی صبح زود یا اواخر بعد از ظهر استفاده

هنرجویان در هر رشته تحصیلی محصول و خدماتی تولید می‌کنند که اگر به صورت حرفه‌ای ارائه شود، درآمد مناسبی برای آن‌ها در پی خواهد داشت. فروش محصول با نمایش و عرضه مناسب آن تضمین می‌شود. با دانستن این موضوع، باید از خود پرسیم چگونه می‌توانیم محصول را طوری آماده کنیم که منحصر به فرد و نوآورانه باشد و نظر دیگران را جلب کند؟ این جمله هیچ وقت کهنه نمی‌شود: هر تصویر بجا، به اندازه هزار کلمه ارزش دارد. عکاسی عالی و خلاقانه سهم زیادی در موفقیت شما خواهد داشت. در این زمینه چند راه پیش رو دارید:

۱. از یک عکاس تبلیغاتی حرفه‌ای کمک بگیرید. البته در این صورت باید پول زیادی تقدیم ایشان کنید. پس بی‌خیال!





کنید. در منزل هم می‌توانید یک استودیو برپا کنید؛ به این ترتیب که محصول را روی یک میز رو به پنجره بگذارید و برای بخش‌هایی از محصول که نور دریافت نمی‌کند، با کمک مقوای سفید، نور را بازتاب دهید یا با یک یا دو عدد چراغ مطالعه، نور لازم را به محصول بتابانید. فقط یادتان باشد، با استفاده از کاغذ معمولی یا کالک، نور چراغ مطالعه را نرم کنید تا سایه‌های تند ایجاد نشود. بعضی از محصولات براق هستند و نور را منعکس می‌کنند. در این صورت با استفاده از یک جعبه و سه کاغذ سفید هم اندازه اضلاع جعبه، یک خیمه نور درست کنید و محصول را داخل آن بگذارید و عکاسی کنید.

#### از سه پایه کمک بگیرد.

بعضی‌ها فکر می‌کنند سه پایه یکی از تجهیزات فنی غیر ضروری است، اما از آن استفاده کنید تا تفاوت فاحشی در وضوح و کیفیت تصویر مشاهده کنید. علاوه بر آن، گاهی مجبورید چیدمان کالا را تغییر دهید. استفاده از سه پایه در این شرایط بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

#### پس زمینه مناسب داشته باشید.

ساده نگه داشتن پس‌زمینه می‌تواند این اطمینان را بدهد که کالا در عکس گم نخواهد شد. پس‌زمینه سفید یک گزینه عالی است، ولی اگر اصرار دارید از رنگ‌های دیگر استفاده کنید، آبی کم‌رنگ، صورتی و زرد کم‌رنگ گزینه‌های خوبی هستند. گاهی می‌توانید از محصول، در مکانی که ممکن است کاربرد داشته باشد، عکاسی کنید. مثلاً صندلی را در بخشی از خانه بگذارید. فقط یادتان باشد، محیط نباید آن قدر شلوغ باشد که صندلی به چشم نیاید. گاهی هم لازم است برای تکمیل و ارائه زیباتر محصول، از فضاهای باز بیرون از خانه استفاده کرد؛ به شرط سادگی.

#### با قانون یک‌سوم کار کنید.

این قانون برای ایجاد ترکیبی متعادل استفاده می‌شود. طول و عرض صفحه را به سه قسمت مساوی تقسیم کنید و نقاط مقابل را با خطی به هم وصل کنید. در محل تقاطع خطوط چهار نقطه به وجود می‌آید. سعی کنید محصول خود را در امتداد خطوط یا به‌طور مطلوب‌تر، در محل تلاقی دو خط (آن چهار نقطه) قرار دهید؛ به این ترتیب روی محصول شما تمرکز خواهد شد.

#### ویرایش عکس را بیاموزید.

پس از عکاسی، لازم است عکس را بهتر کنید تا نتیجه مطلوب‌تری به دست آورید. داشتن مهارت در ویرایش عکس‌های تبلیغاتی ضروری است،

چرا که باید نقص‌های کوچک را بپوشانید و نور و رنگ را اصلاح کنید.

#### از اشیای تزئینی استفاده کنید.

تمرکز اصلی هر عکس باید بر محصول باشد، ولی گاهی استفاده از لوازم جانبی هم برای درخشش عکس‌تان مفید خواهد بود. مثلاً کیک را که در کلاس آشپزی پخته‌اید، با چند شاخه گل در ظرفی مناسب به تصویر بکشید.

#### الهام بگیرد.

چرخی در اینترنت بزنید، برندهایی را که دوست دارید ببینید، به عکاسی محصولات آن‌ها نگاه کنید و از آن‌ها الهام بگیرید.

### توصیه‌های تک‌خطی

- از زاویه‌های متفاوت عکس بگیرید.
- از نمای نزدیک از کالای مورد نظر عکس بگیرید.
- جزئیات محصول را نمایش دهید. برای مثال جیب‌های داخلی کیفی را که در مدرسه و کلاس درست کرده‌اید، نشان دهید.
- حالا می‌توانید این تصاویر را در وبسایت خود، رسانه‌های اجتماعی، و نمایشگاه‌های تجاری و صنایع دستی به نمایش بگذارید و از حضور در بازار گسترده فضای مجازی بهره‌مند شوید.

# از شما حرکت

اداره و گذران زندگی به شیوه درست مورد تأکید اسلام است. از این رو، اسلام در عین توصیه به تلاش برای رفع نیازهای مادی، اجازه می‌دهد این نیازها از راه و با ابزار درست تأمین شوند.

هر مسلمانی می‌کوشد با پایبندی به ضوابط و مقررات اسلامی، به معیشتی سالم دسترسی پیدا کند. یعنی معیشتی منطبق با موازین حلال در مالکیت و مصرف. مسلمان می‌کوشد از همان ابتدا در هر کار و کسبی به حلال و حرام توجه داشته باشد و در عمل مراقبت کند کسب درآمد و هزینه‌کرد آن برای خورد و خوراک، پوشاک و تأمین دیگر هزینه‌های زندگی، صرفاً از راه‌های حلال انجام پذیرد. در آموزه‌های اسلامی، به شکل‌های متفاوت همواره به کسب حلال تأکید شده و برای آن پاداشی بزرگ در نظر گرفته شده است. پیامبر (ص) فرموده است: کسب درآمد حلال بر هر مسلمانی واجب است (میزان‌الحکمه، جلد ۵: ۲۰۵۹).

و نیز فرموده است: هر کس در راه کسب روزی حلال برای خانواده‌اش تلاش کند و دنیا را به این منظور بخواهد و شغل آبرومندی برای کسب حلال و امرار معاش خانواده انتخاب کند، این حرکت او با این نیت، او را به درجه شهدا می‌رساند و پاداش او با پاداش شهیدان راه خدا برابری می‌کند (محجة‌البیضا، جلد ۳: ۲۰۳). این موضوع بر فلسفه‌ای عمیق استوار است: «روزی حلال در واقعیت وجود انسانی و در ساختن جسم و روح تأثیری عمیق و ریشه‌دار دارد و در شکفتن استعدادها نیک و حصول تصمیم‌ها و نیت‌های خوب در انسان، سرنوشت‌ساز است» (الحیاء، جلد ۴: ۶۵).

امام صادق (ع) فرموده است: طلب روزی حلال را فرو مگذار که روزی حلال تو را در دینداری کمک می‌کند (پیشین). پیامبر (ص) فرموده است: «هر کس چهل روز حلال بخورد، خدا قلب او را روشن کند» (پیشین).

## سیره بزرگان دینی در کسب حلال

از همین روست که کار و فعالیت برای کسب روزی حلال در زندگی معصومان (ع) جایگاهی ویژه داشته‌است و در زندگی همه آن‌ها صحنه‌هایی از کار و فعالیت برای تأمین نیازهای زندگی به چشم می‌خورد.



یکی از یاران امام صادق (ع) می‌گوید: امام را دیدم که بیلی به دست و پوششی درشت (زبر) بر تن داشت. در باغچه‌ای که متعلق به خودش بود، کار می‌کرد و عرق از صورت او می‌ریخت. عرض کردم، فدایت شوم، بیل را به من بده تا به جای تو کار کنم. فرمود: «[نه] من چنان دوست دارم که شخص، هر چند در گرمای آزاردهنده آفتاب برای به دست آوردن نیازهای زندگی کار کند و رنج ببیند» (الحیاء، جلد ۵: ۴۷۶).

## تعیین روزی

درست است که خداوند بزرگ روزی هر کسی را تضمین کرده است، اما نباید خیال کرد که تضمین روزی به معنای آن است که همیشه بدون کوچک‌ترین تلاش و حرکتی، روزی هر کس به او می‌رسد، بلکه منظور آن است که در عالم طبیعت منابع تأمین روزی همه پیش‌بینی



۱. حکیمی، محمدرضا و دیگران. الحیاة. جلد‌های ۴ و ۵. ترجمه احمد آرام. انتشارات دلیل ما. تهران. ۱۳۹۱.
۲. محمدی ری‌شهری، محمد. میزان‌الحکمه. جلد ۵. ترجمه حمیدرضا شیخی. دار‌الحديث. تهران. ۱۳۷۷.
۳. فیض کاشانی، محجة‌البیضا. جلد ۳. آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۷۲.
۴. شیخ حر عاملی، وسایل‌الشیعه. دار احیاء التراث العربی. بیروت. ۱۴۱۲ ق.

## پاداش کار

الامام الرضا (ع): **إِنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ، أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.**  
 آن کس که کار بیشتری می‌کند تا درآمدش برای خود و کسانش بسنده باشد، پاداشی بزرگ‌تر از پاداش مجاهد فی سبیل‌الله دارد (الحیاة، جلد ۵: ۴۳۷).

راهی است که پیمودن آن آدمی را از گرفتاری در چنگال دو اسارت «فزون خواهی و فقر» نجات می‌دهد. این خط میانه را امام سجاد(ع) در نیایشی به خوبی برای ما ترسیم کرده است: خداوندا از تو معیشتی نیک درخواست می‌کنم؛ معیشتی که با آن به همه نیازهایم برسم و در این زندگانی کاری برای آخرت انجام دهم؛ بی آنکه مرا در نعمت چنان غرق سازی که طغیان کنم یا بر من چنان تنگ گیری که گرفتار بدبختی (فقر) شوم. روزی حلال خود را بر من گسترش ده ... آن‌گاه مرا از سپاسگزاری نعمت - با آن فراوانی که شادی آن از وظیفه بازم دارد، یا جلوه‌های غرورآمیز آن، فریفته‌ام گرداند - غافل مساز. همچنین با کم‌داستی [بضاعتی اندک] که تلاش من برای رهایی از آن بسنده نباشد و اندوه آن دلم را پر کند، مشغول مدار و به من چنان عطا کن خدایا، که به بندگان بد تو نیازی نداشته باشم و مایه کفافی ده که با آن به رضای تو دست یابم» (الحیاة، جلد ۵: ۵۶ - ۵۵).

۱۳ آبان  
روز دانش‌آموز

۱۳ آبان در تاریخ انقلاب اسلامی کشور ما روزی پر اهمیت است. در سال ۱۳۴۳ و در چنین روزی، به دنبال سخنرانی امام خمینی(ره) درباره قانون کاپیتولاسیون، حکومت پهلوی ایشان را دستگیر و به ترکیه و از آنجا به عراق تبعید کرد. ۱۴ سال بعد و در شرایطی که امام(ره) هنوز در خارج از ایران به سر می‌برد، دانش‌آموزان و دانشجویان خط امام(ره) در دانشگاه در حال اعتراض بودند که مأموران رژیم به آن‌ها تیراندازی کردند. کشته شدن تعداد زیادی دانش‌آموز سبب شد این روز «دانش‌آموز» نام‌گیرد.

یک سال بعد و در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ اتفاق مهم دیگری در تاریخ انقلاب اسلامی رخ داد؛ تسخیر سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام. لازم به ذکر است، آمریکایی‌ها در سفارت مشغول جاسوسی در ایران بودند.

تسخیر لانه جاسوسی چنان مورد توجه و تقدیر امام واقع شد که ایشان فرمود: «این انقلاب از انقلاب اول (۱۳۵۷) هم بزرگ‌تر بود.» ۱۳ آبان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی نیز نام گرفته است. علاوه بر آن، امسال این روز مصادف است با روز میلاد رسول اکرم(ص)، و نیز میلاد امام جعفر صادق(ع). روز میلاد پیامبر(ص) با تدبیر حضرت امام(ره) به عنوان هفته وحدت نام‌گذاری شد تا مسلمانان بیش از پیش با هم احساس برادری کنند. چنین روزهای فرخنده‌ای را گرامی می‌داریم.



و آماده شده است. قرآن می‌فرماید: «و بارک فیها و قدر فیها اقواتها»: و به زمین برکت و فراوانی بخشید. و در آن قوت و غذای آن را در چهار روز، یکسان برای همه روزی خواهان اندازه‌بندی کرد. (فصلت/ آیه ۱۰). پس نباید نشست و پا روی پا انداخت و منتظر روزی خود ماند. امام باقر(ع) فرموده است: من کسی را که دنبال کسب و کار نمی‌رود و در خانه می‌ماند، دوست ندارم؛ هم او که بر پشت می‌خوابد و می‌گوید، خدایا روزی مرا برسان، و برای اینکه از فضل خدا استفاده کند، گامی بر نمی‌دارد. آن‌گاه فرمود: «مورچه برای اینکه روزی خود را به دست آورد، از لانه‌اش بیرون می‌آید»، یعنی انسان نباید برای تهیه روزی از مورچه‌ای کمتر باشد (وسایل‌الشیعه، جلد ۱۷: ۳۰). البته باید در معیشت و کسب‌وکار جانب اعتدال را رعایت کرد. راه میانه

# برنامه‌های کاربردی

هنرجویان عزیز، در این بخش قصد داریم نرم‌افزارهایی کاربردی را به شما معرفی کنیم؛ نرم‌افزارهایی که در تلفن همراه (سیستم اندروید) نصب می‌شوند و کمک می‌کنند بتوانید کتاب صوتی گوش دهید، مسئله‌ها و معادلات ریاضی را حل کنید و کلی لذت ببرید.



## کتاب صوتی «نوار» با صد کتاب

کتاب و کتاب‌خوانی یکی از نیکوترین ویژگی‌های جوامع پیشرفته است، اما نرخ کتاب‌خوانی در کشور ما پایین است. بخشی از این شرایط از قیمت بالای کتاب ناشی می‌شود که در وضعیت کنونی در سبد خانوار جای مناسبی ندارد. اما امروزه با گسترش ابزارهای الکترونیکی و دسترسی همگانی به این ابزارها که هر روزه در دسترس‌تر و جذاب‌تر هم می‌شوند، کتاب‌خوانی نیز رونق خود را پیدا خواهد کرد. کتاب‌های صوتی یکی از امکانات عصر حاضرند. ناشران متعددی وارد این عرصه شده و در حوزه جدیدی با عنوان نشر دیجیتال مجوز فعالیت گرفته‌اند. نرم‌افزار «نوار» یک کتابخانه بزرگ صوتی است که با صرف هزینه‌ای کم، امکان گوش دادن به کتاب‌های فاخر را برای شما فراهم می‌کند. این نرم‌افزار، علاوه بر ارائه توضیحات و مشخصات کتاب، امکان دیدن دیدگاه‌های دیگر کاربران را در مورد کتاب برای شما فراهم می‌کند تا خرید آگاهانه‌تری داشته باشید. برای دانلود و نصب نرم‌افزار کتاب‌های صوتی و گوش دادن به فایل‌ها می‌توانید از نشانی زیر استفاده کنید:

[www.androidha.com/551925-navar/](http://www.androidha.com/551925-navar/)

## ماشین حساب مهندسی پیشرفته All-In-One Calculator

ماشین حساب مهندسی پیشرفته یک برنامه ماشین حساب رایگان، سبک، تمیز و با استفاده آسان است که قابلیت تبدیل واحدها به یکدیگر را نیز دارد. این برنامه جذاب ریاضی با شامل بودن بیش از ۷۵ محاسبه‌گر و مدل در یک ماشین حساب علمی، می‌تواند کلی عملیات را به سرعت انجام دهد و مخاطب را از ابزارهای جانبی دیگر نجات دهد. این ماشین حساب برای انجام تکالیف، در مدرسه و خانه مناسب است. اگر محقق، دانشجو، معلم، معمار و پیمانکار هستید و به ابزاری کامل برای دستگاه خود نیاز دارید، این برنامه را امتحان کنید. به هیچ وجه ناامیدتان نمی‌کند. در ضمن، این ماشین حساب به رایگان دانلود و در گوشی اندرویدی شما نصب می‌شود. این برنامه را از اینجا دانلود کنید:

[www.androidha.com/?s=All-In-One+Calculator](http://www.androidha.com/?s=All-In-One+Calculator)

## نرم افزار حل مسائل ریاضی Symbolab - Math solver

این برنامه کاربردی، معلم ریاضی خصوصی شماست که هر مسئله ریاضی را با نمایش مراحل، برایتان حل می‌کند. هر مسئله‌ای که حل می‌شود، در تاریخچه برنامه ذخیره می‌شود و شما می‌توانید هر زمان که مایل بودید دوباره به آن مراجعه کنید.

[www.androidha.com/?s=Symbolab+Math+solver](http://www.androidha.com/?s=Symbolab+Math+solver)

## حل معادلات ریاضی با عکس گرفتن (فتومت) Camera Calculator

«فتومت» هوشمندترین برنامه محاسبه‌گر از طریق دوربین برای اندروید است. کافی است با دوربین دستگاه خود یک مسئله ریاضی را نشانه بگیرید تا این برنامه به صورت آنی پاسخ را به شما نمایش دهد. هنگامی که برای حل یک مسئله به مشکل برخوردید، می‌توانید از طریق دکمه Steps نحوه حل آن را به صورت مرحله‌به‌مرحله مشاهده کنید. دانش آموزان می‌توانند از این برنامه به عنوان ابزار یادگیری ریاضی استفاده کنند و والدین می‌توانند با آن به سرعت صحت حل تمرین‌های ریاضی فرزندان خود را بررسی کنند.

[www.androidha.com/?s=Camera+Calculator+v6.10.0](http://www.androidha.com/?s=Camera+Calculator+v6.10.0)



# به خاطر ذایسی



کمال بالا و پایین کارگاه را نگاه کرد. دستگاه‌های برقی کوچک و بزرگ، روی میزهای چوبی، دور تادور کارگاه چیده شده بودند. کمال تصمیم خودش را گرفته بود. این بهترین فرصت بود. تا شروع کلاسشان چند دقیقه‌ای مانده بود و هنوز هیچ‌کس به کارگاه نیامده بود. می‌دانست دوربین مداربسته کارگاه هم قطع است. چند وقتی بود که دوربین خراب بود، اما هنوز بودجه تعمیرش نیامده بود.

خراب کردن یکی از دستگاه‌ها کافی بود. بالای سر یک جاروبرقی بزرگ ایستاده بود که صدای در کارگاه آمد. به خودش لعنت فرستاد که چرا این همه معطل کرده. پشت یکی از میزها پنهان شد. دو تا از همکلاسی‌هایش را دید که سر وسایل جلویی کارگاه ایستاده بودند و حرف می‌زدند. همان‌طور نشسته زیر میزها جلو رفت. سیم دستگاه‌ها از زیر به هم پیچیده شده بود. او خیلی بیشتر از بقیه همکلاسی‌هایش از سیم‌ها، رنگ‌ها و کاربردشان خبر داشت. نباید هیچ صدایی می‌کرد و باید کارش تا قبل از رسیدن بقیه تمام می‌شد. دیگر دوست نداشت ریخت هیچ دستگاه برقی، ریخت این کارگاه و ریخت سیم برق و چیزهای دیگر را ببیند!

تند تند فیش‌ها را از جایشان بیرون آورد. بعد همه را جابه‌جا زد. می‌دانست با زدن اولین کلید، دستگاه اتصالی می‌کند و بومب! خودش باید کلید را می‌زد. داشت بومب را برای خودش درست می‌کرد. کارش که تمام شد، آهسته از زیر میز بیرون آمد و صبر کرد سروکله بقیه هم پیدا شود تا بتواند قاتی بچه‌های کلاس باشد.

همین که آقای جباری وارد کلاس شد، کمال بالای سر دستگاه ایستاد. نگاهش به کلید قرمز بود و تا آقای جباری گفت کار را شروع کنید، فوری پرید و کلید را زد.

بومب ...

دستگاه از جا پرید و آتش گرفت. کمال پرت شد عقب و کمر و سرش

به میز خورد. بقیه از او دور بودند. آقای جباری فوری خودش را رساند و نگذاشت کمال از جایش تکان بخورد. پشت گردنش درد گرفته بود، اما خوش حال بود که نقشه‌اش درست اجرا شده. حالا هم برای مدرسه بهانه داشت، هم برای مادر که نمی‌گذاشت او به این راحتی‌ها تصمیمش را عملی کند. این بهترین نقشه بود.

آمبولانس آمد و بعد از معاینه تأیید کردند که کمال مشکلی ندارد و فقط کوفتگی است! اما کمال دیگر به کارگاه نرفت. روز بعد توی دفتر نشست و به مدیر گفت می‌خواهد رشته‌اش را عوض کند. اصلاً می‌خواهد برود تربیت‌بدنی!

مدیر با چشم‌های گرد نگاهش کرد:

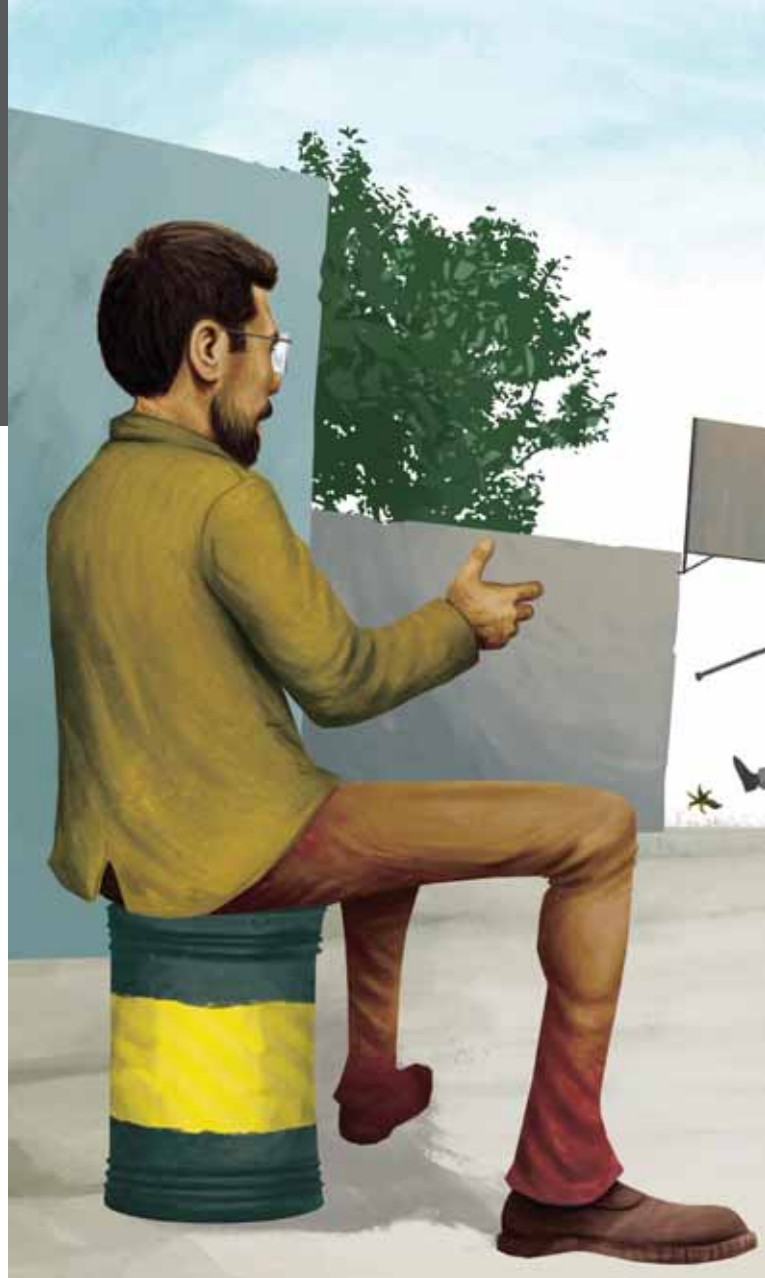
- تو از بهترین دانش‌آموزهای برق مایی. خیلی با استعدادی. چرا؟

- می‌ترسم!

- اون اتفاق بود. البته که امنیت کار مهمه، اما ...

- من تصمیمم رو گرفته‌ام آقا. می‌خوام برم.

دبیرها جمع شدند توی دفتر. نفر اول رشته برق می‌خواست از این مدرسه



کردی؟ همون که برق کار حرفه‌ایه؟  
 کمال جواب نداد. در عوض مادر کمال جواب داد: بله. اوستا کاره. برق کار  
 درجه یکه داداشم.  
 - پاش چی شده؟  
 - یه اتفاق بود. برق گرفتش و از بلندی پرت شد پایین.  
 آقای جباری به کمال نگاه کرد. کمال متوجه نگاه‌های سنگین آقای  
 جباری شد.  
 - کمال بیا بیرون کارت دارم.  
 آقای جباری با دست بیرون را نشان داد و جلوتر از او دفتر را ترک کرد.  
 کمال فکر کرد آقای جباری نمی‌تواند چیزی را ثابت کند. وقتی گوشه حیاط  
 کنار آقای جباری ایستاد، نگاهش به آسفالت کف حیاط بود تا آقای جباری  
 صورتش را نبیند.  
 - چون داییت پاش شکسته، تو هم ترسیدی؟  
 - نه. دستگاه آتیش گرفت. خودتون که دیدید.  
 - اون که طبیعی نبود. من بررسی کردم. یه نفر سیم‌ها را جا به جا کرده  
 بود.  
 کمال چیزی نگفت.  
 - کار هر کی بوده، درسش رو خوب بلد بوده. به برق علاقه داشته. خیلی  
 زنگ‌تر از بقیه بوده و می‌دونسته هر سیم چه کار کردی داره و آگه کجا  
 وصل بشه اتصالی می‌کنه و آتیش می‌گیره.  
 کمال باز هم چیزی نگفت.  
 - من که بین بچه‌های مدرسه فقط یکی رو می‌شناسم که این همه به  
 سیم‌ها مسلطه و از پس این کار برمیاد. یه شاگرد با استعداد ...  
 کمال دیگر آسفالت کف حیاط را نمی‌دید. پرده اشک جلوی چشم‌هایش  
 را گرفته بود.  
 - من دیگه نمی‌خوام برق بخونم!  
 آقای جباری دستش را روی شانه کمال گذاشت: هر چیزی راهی داره. هر  
 کاری اصولی داره. تو خودت بهتر از من می‌دونی که برق چه قدرتی داره و  
 تو و داییت چقدر قدرتمندید که می‌تونید اون رو مهار کنید.  
 کمال به آقای جباری نگاه کرد.  
 آقای جباری ادامه داد: پس بیا درمورد احتیاطات کار بیشتر بدون و اونجا  
 رو هم به داییت یاد بده. وقتی تو وردستش باشی، اونم بیشتر در امانه. تو  
 خیلی توانمندی ...  
 کمال سرش را تکان داد.  
 - حالا برو صورتتو بشور. بعد هم بیا سر کلاس و غائله رو بخوابون. یکدفعه  
 دیدی آقای ناظم منم همراه تو اخراج کرد.  
 و خندید.

برود. بچه‌ها پیچ می‌کردند. آقای ناظم زنگ زد به مادر کمال تا زودتر سر  
 را بخواباند.  
 مادر خودش را رساند مدرسه. تعجب کرده بود از اینکه چرا کمال توی  
 خانه چیزی نگفته و حالا هم، جلوی همه جواب سؤال‌های او و دبیران را  
 نمی‌دهد! کمال سرش را انداخته بود پایین و جواب هیچ‌کس را نمی‌داد.  
 مادر گفت، فقط از دایه کمال برمی‌آید که مشکل را حل کند. از وقتی پدر  
 کمال فوت کرده بود، دایه کمال برایش پدری می‌کرد.  
 ناظم دست‌هایش را به هم فشار می‌داد و تکرار می‌کرد: مدرسه رو به هم  
 ریخته یه الف بچه. برید سر کلاس بچه‌ها...  
 اما بچه‌هایی که جلوی دفتر جمع شده بودند، چند قدم عقب می‌رفتند و  
 بعد، دوباره جمع می‌شدند.  
 دایه کمال با عصای زیر بغلش از راه رسید. یکی از پاهایش از ران تا مچ  
 توی گچ بود. چشم‌غره‌ای به کمال رفت و شروع کرد به صحبت کردن با  
 مدیر.  
 آقای جباری آرام به کمال گفت: این داییت همونه که برای من تعریف

# رشته گل‌دار

بعضی‌ها برای رسیدن به آینده‌ای طلایی، دنبال رشته‌ها و شغل‌های خاص هستند؛ آن‌هم بدون کمترین علاقه. اما هستند افرادی که با داشتن هدف و انگیزه، با موانع کوچک و بزرگ جنگیده‌اند تا وارد رشته‌های هنرستانی شوند. چرا که در این رشته‌ها مهارت‌هایی را می‌آموزی که می‌توانی زودتر دانش را به ثروت تبدیل می‌کنی.

## این شماره: سارینا جهانگیری، رشته تربیت بدنی. هنرستان فاطمه زهرا، شهر گچساران

سارینا جهانگیری به تازگی در رشته تربیت بدنی فارغ التحصیل شده است. از وقتی یادش می‌آید عاشق توپ بوده‌است؛ به‌خصوص توپ هندبال. از کلاس چهارم ابتدایی وارد تیم هندبال مدرسه شد. این علاقه آن‌قدر ادامه پیدا کرد که باعث شد سارینا تصمیم خودش را در انتخاب رشته بگیرد و رشته تربیت بدنی را انتخاب کند. اما با مخالفت خانواده روبه‌رو شد. با اصرار زیاد خانواده را راضی کرد، چون به خودش اعتقاد و اعتماد داشت. سارینا در کنار درس، مدرک داوری هندبال را در شانزده سالگی، مربیگری هندبال را در ۱۷ سالگی و هم‌زمان مدرک نجات غرقی را گرفت. در حال حاضر او بیش از یک سال است که در یکی از سالن‌های ورزشی استان کهگیلویه و بویراحمد مربی است.

### چرا این رشته را انتخاب کرده‌ای؟

فقط به‌خاطر علاقه به فعالیت‌های ورزشی. من از خیلی قبل‌تر به این رشته فکر می‌کردم؛ قبل از اینکه شهر ما این رشته را داشته باشد. یادم می‌آید یکی از علاقه‌مندی‌های دوران بچگی‌ام تماشای برنامه‌های ورزشی تلویزیون بود. از نظر من ورزش و تربیت بدنی مساوی است با مصرف انرژی زیاد و به‌دست‌آوردن روحیه مثبت.

به نظرت این رشته می‌تواند راهی برای فرار از درس‌های سخت و سنگین باشد؟

نه، اصلاً. این رشته برخلاف اسمش درس‌های سختی هم دارد. خیلی‌ها به‌خاطر اسمش فکر می‌کنند بیشتر فعالیت ورزشی

انجام می‌دهند و از همین رو به این رشته می‌آیند. اما بعد متوجه اشتباهشان می‌شوند که شاید دیگر دیر باشد!

یکی دیگر از سختی‌های رشته تربیت بدنی این است که در شهر ما امکانات کم است و ما خیلی از کلاس‌ها را به جای عملی، تئوری گذرانیم و این یادگیری را برایمان خیلی سخت کرد؛ مثل پینت بال، بدنسازی و دومیدانی. خدا را شکر معلم‌های خیلی خوبی داشتیم.

با وجود همه این کمبودها چطور شد مربی هندبال شدی؟ باز هم علاقه. یکی از رشته‌های محبوب من هندبال است. از کلاس چهارم هندبال کار کردم و توی تیم مدرسه بودم. اول مدرک داوری هندبال را گرفتم، اما دیدم این ایده‌الم نیست. پس تصمیم گرفتم مربیگری را امتحان کنم. خب، موفق هم شدم!

گفتی بازیکن بوده‌ای. الان چطور؟ فقط در مدرسه بازی کرده‌ای؟

خانواده من اجازه نمی‌دهند خارج از منطقه خودمان بازی کنم. حتی گاهی بعضی بازی‌ها و تمرین‌ها را با وساطت مدرسه رفته‌ام. برای



## آنچه می‌آموزید

طی دوران تحصیل، هنرجویان با آمادگی جسمانی، آناتومی، روان‌شناسی عمومی، تغذیه و بهداشت مواد غذایی، فیزیولوژی، تأسیسات و اماکن ورزشی، و آزمون‌های ورزشی آشنا می‌شوند و در تمرین‌های عملی ورزش‌های فوتبال، والیبال، ژیمناستیک، بدمینتون، شنا و ... شرکت می‌کنند.

- به کسی هم این رشته را پیشنهاد می‌دهی؟  
بله. به دوستاناران ورزش و سلامتی. اگر دوست دارید همیشه سالم و پرنرژی باشید و دنبال شغلی همراه با سلامت و انرژی هستید، حتما این رشته را انتخاب کنید.
- برای ورود به این رشته چه چیزی لازم است؟  
علاقه خیلی زیاد به فعالیت‌های ورزشی و آمادگی جسمانی بالا.
- آرزوی کاری و حرفه‌ای‌ات چیست؟  
دوست دارم بهترین مربی شوم و شاگردان زیادی را تربیت و راهی تیم ملی کنم.
- حرف آخر تو برای هم‌سن و سالان خودت چیست؟  
هیچ وقت دست از تلاش برندارید.

### ورود به رشته

کسب مجوز شاخه فنی و حرفه‌ای در برگه هدایت تحصیلی  
دارا بودن معدل قابل قبول (حداقل ۱۴)  
دارا بودن شرایط قدی لازم  
داشتن سلامت کامل  
قبولی در آزمون‌های عملی و پزشکی

### توانایی‌های لازم

هنرجوی این رشته باید از کودکی ورزشکار باشد، زیرا فراگیری بعضی از مهارت‌های پایه، مثل ژیمناستیک و دو و میدانی، به هماهنگی کامل عصب و عضله نیاز دارد و در بزرگسالی بسیار مشکل است. در ضمن، افرادی که از کودکی اهل ورزش هستند، برای فراگیری مطالب علمی و عملی انگیزه بیشتری از خود نشان می‌دهند.

### بازار کار

بازیکنی هندبال در تیم‌های ورزشی  
داوری مسابقات ورزشی  
کمک مربیگری و مربیگری رشته‌های گوناگون  
سرپرستی تیم‌های ورزشی  
سرپرستی مکان‌های ورزشی  
سرپرستی میدان‌های ورزشی  
آموزگاری، دبیری و کارشناسی تربیت بدنی؛ پس از گذراندن تحصیلات دانشگاهی و کسب مجوز همکاری با آموزش و پرورش  
استادی دانشگاه؛ پس از کسب مدارک عالی



همین بیشتر در تیم‌های منطقه یا مدرسه بوده‌ام.

- حالا چطور، باز هم مخالف‌اند؟  
خیلی کمتر از قبل. آن هم به‌خاطر اینکه می‌بینند من در کنار علاقه، هدف دارم.
- از کی مربی هندبال شده‌ای؟  
در پایه یازدهم مدرک مربیگری را گرفتم. بعد سه ماه در سالن ورزشی ایثار شهرمان، پیش خانم آزاده کزنلو، دوره دیدم. بعد به عنوان مربی هندبال در سالن ورزشی روستای خودمان (سراب نیز) مشغول شدم. تا همین قبل از کرونا حدود ۴۰ شاگرد ۶ تا ۴۰ ساله داشتم.
- گفتید کرونا! کرونا چه تأثیری در کار شما داشت؟  
متأسفانه خیلی بد بوده‌است. سالن‌های ورزشی که تعطیل شده‌اند، روحیه شاگردانم به‌هم ریخته و دل و دماغ کار ندارند. من تنها توانستم برای بچه‌ها ویدیوی آموزشی تهیه کنم و بفرستم. گاهی پیگیر فعالیت‌هایشان هستم.

# کاری کن بهت بیاد

احتمالاً برای شما هم اتفاق افتاده است که دلتان یک چیز خوشمزه می‌خواهد، ولی نمی‌دانید چه! سراغ یخچال می‌روید، میوه‌ها را نگاه می‌کنید، قوطی رب را بررسی می‌کنید، پشت ظرف ماست را هم نگاه می‌کنید، ولی باز آن چیزی را که دلتان می‌خواهد پیدا نمی‌کنید. حتی سراغ فریزر هم می‌روید. قالب‌های یخ را جابه‌جایی کنید و به‌سختی مرغ‌های یخ‌زده را هم کنار می‌زنید، به امید آنکه پشت آن‌ها یک چیز خوشمزه پیدا کنید، ولی باز گمشده دلتان را پیدا نمی‌کنید!

ممکن است درست مثل همین حس را هنگام شروع کار و کسب جدید تجربه کنید! دلتان می‌خواهد یک کار و کسب جدید راه‌اندازی کنید، ولی نمی‌دانید چه کاری! ممکن است به کار و کسب برخی دوستانان نگاه کنید و یا مشاغل اطرافیان، ولی همچنان به این نتیجه نمی‌رسید که چه کاری را راه‌اندازی کنید. برای اینکه به ایده خوبی برسید، می‌توانید این مراحل را طی کنید:



۱. هرچه را در ذهن دارید، روی کاغذ بیاورید.
۲. ایده‌های کار و کسب خود را بررسی و چند مورد را انتخاب کنید.
۳. برای کار و کسب خود اسم انتخاب کنید.

### هرچه را در ذهن دارید، روی کاغذ بیاورید.

را براساس علاقه خود مرتب و در مورد هر یک تحقیق کنید تا با ویژگی‌های این نوع کار و کسب‌ها آشنا شوید. ساده‌ترین روش برای انجام این کار، جست‌وجو در اینترنت است. به این ترتیب می‌توانید تا حدودی با فعالیت مدنظر خود آشنا شوید. همچنین، می‌توانید با دیگران در این باره مشورت کنید؛ به‌خصوص زمانی که فعالیت شما جدید باشد و مطالبی در مورد آن در اینترنت وجود نداشته باشد! البته در این مرحله فقط یک بررسی اولیه انجام می‌شود. برای انجام تحقیقات بیشتر، در شماره‌های بعدی مطالبی ارائه خواهد شد.

**در انتخاب ایده کار و کسب دقت کنید که چنین انتخاب‌هایی نداشته باشید:**

#### ایده‌هایی که مشتری ندارند

ممکن است ایده‌هایی در ظاهر جذاب باشند، ولی مشتری نداشته باشند یا کسی حاضر نباشد به خاطر آن‌ها مبلغی پرداخت کند. مثلاً طراحی یک سفر دریایی با قایق ایده فانتزی و جذابی است، ولی هیچ‌کس حاضر نیست به خاطر این کار پولی به شما بپردازد.

#### ایده‌هایی که نمی‌توانید آن‌ها را اجرا کنید

ممکن است ایده‌ای پول‌ساز داشته باشید، ولی به‌عنوان یک جوان توان اجرای آن را نداشته باشید. برای مثال، راه‌اندازی فروشگاه آثار هنری نیازمند سرمایه فراوانی است تا از انواع آثار هنری نمونه‌هایی را برای فروشگاه تهیه کنید، اما احتمالاً شما، به‌عنوان یک جوان، سرمایه کافی را برای اجرای آن نخواهید داشت.

#### ایده‌هایی که مطابق با مهارت شما نیستند

برای مثال، ممکن است یک نفر به ایده عکاسی تلفنی برسد. به این صورت که مشتری‌ها با او تماس بگیرند و او عکاسی فضای باز را در محیط مورد علاقه مخاطبان انجام دهد. اما در صورتی که وی توانایی عکاسی نداشته باشد، این ایده مناسب نخواهد بود.

#### برای کار و کسب خود اسم انتخاب کنید.

انتخاب نام مناسب برای فعالیت بسیار اهمیت دارد، زیرا برداشت ذهنی و اولیه دیگران از کار و کسب شما با استفاده از نام آن ایجاد می‌شود. نام فعالیت باید نشان‌دهنده نوع کالا و خدمات تولیدی شما باشد. همچنین، تفاوت و ویژگی خاص کار و کسب شما نسبت به بقیه را نشان دهد.

هر ایده‌ای دارید آن را روی کاغذ یادداشت کنید. ایده‌هایی از کارهای بقیه، ایده‌های غیرکاربردی و یا حتی ایده‌های خنده‌دار. ممکن هم هست که ایده خاصی به ذهن شما نرسد. ایرادی ندارد. می‌توانید با فکر کردن روی سؤالات زیر به ایده‌هایی برسید:

#### نقاط قوت شما چه هستند؟

به ویژگی‌ها و نقاط قوت خود فکر کنید. اینکه در چه کاری نسبت به بقیه برتری دارید؟ در مدرسه به چه چیزی معروف هستید؟ ممکن است نقطه قوت شما تسلط به زبان انگلیسی باشد، یا قدرت بیان. خوب خطاطی می‌کنید یا در تعمیر لوازم برقی ماهرید؟ ایده‌های هنری خوبی دارید یا تصویرسازی‌های خوبی انجام می‌دهید؟ همه این‌ها می‌توانند یا خود به‌عنوان ایده‌های کار و کسب مطرح شوند یا زمینه رسیدن به ایده‌هایی را برای شما فراهم کنند.

#### علاقه‌هایتان چیست؟

ممکن است در بعضی زمینه‌ها توانایی خاصی نداشته باشید، ولی به آن موضوع علاقه‌مند باشید. برای مثال، ممکن است به عکاسی یا نقاشی علاقه‌مند باشید، ولی در این کار خیلی هم حرفه‌ای نباشید! به زمینه‌های علاقه‌مندی خودتان فکر کنید تا به ایده‌هایی برای راه‌اندازی کسب‌وکار در آن زمینه برسید.

#### چه مشکلاتی وجود دارند؟

می‌توانید به مشکلاتی که در محیط اطرافتان وجود دارند فکر کنید. برای مثال، ممکن است مشاهده کنید دوستان شما در فروش آثار هنری خود مشکل دارند یا در خانواده‌های اطراف شما برخی از لوازم خانگی ایرادهایی دارند، ولی اعضای خانواده فرصت بردن این وسایل به تعمیرگاه را ندارند. یا مثلاً خانواده‌های زیادی را می‌شناسید که به داشتن فضای سبز خانگی علاقه‌مندند ولی فرصت طراحی و تهیه چنین فضایی را ندارند. همه این موارد که در ظاهر مشکلات ساینده محسوب می‌شوند، می‌توانند برای شما ایده یا حتی فرصت راه‌اندازی کار و کسب باشند.

#### ایده‌های کار و کسب خود را بررسی و چند مورد را انتخاب کنید.

بعد از اینکه ایده‌های کار و کسب را نوشتید، لازم است آن‌ها را بررسی کنید تا به یک ایده مناسب برسید. برای این کار ایده‌ها





## مچ تنبلی را واکن

وقتی زیاد راه می‌رویم، خسته می‌شویم. وقتی هم بدنمان فعالیت کمی می‌کند، بی‌حالی ما نشان می‌دهد اندام‌هایمان به حرکت و ورزش نیاز دارند. اما یکی از اندام‌های مهم بدنمان، با وجود فعالیت زیاد، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. فرقی نمی‌کند هنرجوی چه رشته‌ای باشید؛ جلوی رایانه بنشینید یا در صنایع دستی فعالیت کنید، به دنبال کشاورزی باشید یا مشغول فعالیت‌های صنعتی باشید، به هر حال، باید به‌طور مرتب دست‌هایتان را به کار بگیرید. اما احتمالاً کمتر به مچ دستتان توجه می‌کنید. همه دوست دارند عضلات بازویشان بزرگ و نیرومند باشد، اما کسی توجهی نمی‌کند همان‌طور که عضلات بازو به تقویت نیاز دارند، مچ دست را هم باید تقویت کرد. امروز با تمرین‌هایی فوق‌العاده ساده آشنا می‌شوید که می‌توانید همواره آن‌ها را انجام دهید؛ با کمترین هزینه ممکن!

### کمک گرفتن از ظرف برنج

یکی از حرکات بسیار مفید برای مچ دست که شاید قبلاً هم به صورت بازی و تفریح انجام داده باشید، استفاده از یک ظرف (یا سطل یا گونی) برنج است. البته حواستان باشد که دست‌هایتان تمیز باشند، وگرنه محال است پدر و مادران اجازه دهند چنین ورزشی را انجام دهید! برای انجام این حرکت ورزشی، سطل باید پر از برنج باشد. حالا دست‌های خود را تا مچ به داخل برنج‌ها فرو ببرید. دست‌های خود را درون برنج‌ها باز و بسته کنید. کار راحتی است؟ پس سرعت باز و بسته کردن دست‌ها را بیشتر کنید! بعد از مدتی، تکرار این حرکت برای شما دشوار می‌شود. اما همین تکرار، انگشتان و مچ دست شما را تقویت می‌کند.

کار بعدی شما برای تقویت مچ دست، بالا و پایین بردن دست‌ها در ظرف برنج است. تکرار این حرکت هم فشار زیادی به دست‌ها وارد می‌کند و آن‌ها را تقویت می‌کند.

### چرخاندن مچ دست

این حرکت نیز به هیچ وسیله کمکی احتیاج ندارد. فقط کافی است بایستید یا روی صندلی بنشینید. حالا دست‌هایتان را کنار بدنتان آویزان نگه دارید، به طوری که کف آن‌ها رو به زمین باشد. می‌توانید در همین حال دست‌ها را از مچ، به شکلی دایره‌ای، بچرخانید. کف دست همچنان رو به زمین باشد. این حرکت، به خصوص زمانی که فرصت چندانی برای ورزش ندارید، بسیار مفید است. در حالت بعدی می‌توانید مچ یک دست را با دست دیگران بگیرید. حالا مچ دستتان را به صورت دایره‌ای بچرخانید. می‌توانید این کار را به صورت بالا و پایین آوردن مچ دست‌ها نیز انجام دهید؛ به همین راحتی!



### کمک گرفتن از وزنه

اگر در خانه وزنه دارید، می‌توانید از آن هم استفاده کنید. کافی است وزنه را در دست بگیرید و راه بروید، یا در حالی که وزنه در دست‌هایتان است، سعی کنید مچ دست‌ها را بالا و پایین ببرید. البته لازم نیست حتماً وزنه داشته باشید. خیلی چیزهای دیگر نیز می‌توانند جای آن را بگیرند؛ برای مثال یک بطری بزرگ پر از آب. البته یادتان باشد، اگر چنین کاری کردید، پس از تمرین آب را دور نریزید و به بهترین شکل از آن استفاده کنید؛ مثلاً آب را درون کتری بریزید و بعد از تمرین جای بنوشید!

### چهار دست و پا شدن

قرار گرفتن در حالت چهار دست و پا کاری است که همه ما می‌توانیم انجام دهیم. در حالت چهار دست و پا همیشه کف دست‌هایمان روی زمین است و دست‌ها به سمت جلو قرار دارند. حالا طرز قرار گرفتن کف دست‌ها را عوض کنید و آن‌ها را طوری روی زمین بگذارید که نوک انگشتانتان به سمت داخل (به طرف خودتان) باشد. اگر این کار به نظرتان راحت می‌آید، مدت انجام آن را بیشتر کنید. در مرحله بعد می‌توانید کف دست‌ها را به سمت بالا قرار دهید (یعنی پشت دست‌ها روی زمین



### بازی با توپ‌های ضد استرس

یکی از وسیله‌های ساده و ارزان بازی، که بیشتر کودکان از آن استفاده می‌کنند، «توپ‌های ضد استرس» هستند. شاید اگر به شما گفته شود دست‌های خالی‌تان را باز و بسته کنید، خیلی حوصله این کار را نداشته باشید، اما ظاهر زیبای این توپ‌ها باعث می‌شود هر کسی علاقه‌مند باشد آن‌ها را در دست بگیرد و فشار بدهد. بد نیست بدانید این توپ‌ها در چندین مدل در بازار موجودند. در ساده‌ترین نوع آن‌ها، درون توپ از اسلایم پر شده و در مدلی دیگر، از شن. درون بعضی دیگر هم خمیرهای مخصوص رایحه‌دار وجود دارد. در این مدل، هم فشردن توپ می‌تواند آرامش‌بخش باشد و هم بوی گیاهان ضد استرس درون توپ، آرام‌کننده است. مهم‌تر از همه این است که در صورت استفاده زیاد از این توپ‌ها، مچ دست تقویت می‌شود.



# بیک بورس کوچولو

## آشنایی با شغل‌های نوین

در دنیای نوین امروزی، کار و کسب‌ها از شکل سنتی خود خارج شده‌اند و با توسعه فناوری، برخی شغل‌ها بر رایانه و تلفن همراه مبتنی شده‌اند.

یکی از کار و کسب‌هایی که می‌توان به صورت پاره‌وقت و حتی در کنار شغل دیگری در آن درآمد کسب کرد، خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار است.

تا همین چند سال گذشته، اکثر مردم تنها راه پس‌انداز یا حتی سرمایه‌گذاری را نگهداری پول‌های خود در بانک می‌دانستند. دلیلش هم این بود که با روش‌های دیگر سرمایه‌گذاری آشنایی نداشتند و نمی‌دانستند هر فرد عادی می‌تواند با سرمایه‌گذاری در واحدهای یک شرکت تولیدی، به اندازه دارایی خود، در مالکیت آن شرکت مشارکت کند یا با سهم‌شدن در یک شرکت سرمایه‌گذاری، در سود آن‌ها هم شریک شود.



قرار دهند. این موضوع به شفافیت بازار کمک می‌کند و سرمایه‌گذاران می‌توانند با اطمینان بیشتری اقدام به معامله کنند. هدایت سرمایه‌های سرگردان به سمت سرمایه‌گذاری‌های متمرکز و هدفمند؛ استفاده از پس‌اندازهای کوچک و خرد افراد به هر میزان در سرمایه‌گذاری‌های بزرگ. ایجاد بازار دائم و مستمر که امکان سرمایه‌گذاری بلند مدت و کوتاه مدت را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد؛ وجود اوراق بهادار با ریسک و بازدهی متفاوت برای سرمایه‌گذاران، با هر سطح از ریسک‌پذیری.

### چگونه وارد بورس شویم

#### • گردآوری سرمایه

برای ورود به بورس، از پس‌انداز سرمایه‌ای غیرضروری استفاده کنید. برای جلوگیری از خسارت، هیچ‌گاه از سرمایه اصلی، همچون پول خانه و خودرو، برای ورود به بازار بورس استفاده نکنید.

#### • یادگیری مفاهیم بورس

پیش از ورود به بورس، حتماً اصول اولیه و اساسی را یاد بگیرید. اینترنت و فضای مجازی پُر از آموزش‌های رایگان اصول مالی و مفاهیم بورسی است که می‌توانید از آن‌ها به خوبی استفاده کنید. از راهنمایی و کمک گرفتن از کارشناسان امور مالی و بورس غفلت نکنید.

#### • ثبت‌نام در سامانه سجام

برای فعالیت در بازار بورس، به کد معاملاتی نیاز دارید. برای این کار باید به سایت [sejam.ir](http://sejam.ir) مراجعه کنید و پس از ثبت‌نام، با ارائه مدارک هویتی، احراز هویت شوید.

#### • ثبت‌نام در کارگزاری رسمی بورس

کارگزاری‌ها شرکت‌هایی هستند که میان سرمایه‌گذاران با شرکت بورس و اوراق بهادار پلی ارتباطی ایجاد می‌کنند. خرید و فروش از طریق سامانه کارگزاری بورس انجام می‌شود.

پس از دریافت کد معاملاتی و برای انجام معاملات بورسی، باید در یکی از کارگزاری‌های معتبر بورس ثبت‌نام کنید و پس از احراز هویت و دریافت نام کاربری و رمز عبور، از طریق سامانه کارگزاری (وبسایت، اپلیکیشن و ...) به خرید و فروش اقدام کنید.

#### منابع

1. [agah.com](http://agah.com)
2. [@tebyanonline](http://tebyanonline)

### برخی فایده‌های بورس برای سرمایه‌گذاران

**کسب درآمد:** مهم‌ترین هدف هر سرمایه‌گذار کسب درآمد است.

سرمایه‌گذاران در بورس به دو روش می‌توانند درآمد کسب کنند:

• **سود نقدی حاصل از فعالیت شرکت‌ها:** شرکت‌هایی که سهامشان در بورس عرضه شده است، بخشی از سود حاصل از فروش محصولات خود را بین سهامداران تقسیم می‌کنند. در نتیجه، سرمایه‌گذارانی که سهام این شرکت‌ها را دارند، از این طریق کسب درآمد می‌کنند. این سود به صورت سالیانه به سهامداران پرداخت می‌شود.

• **افزایش قیمت سهام:** قیمت سهام شرکت‌ها به دلیل فعالیت‌های مفید و اثربخش می‌تواند افزایش یابد. افزایش قیمت سهام این شرکت‌ها برای سهامداران درآمد خواهد داشت.

**قابلیت نقدشوندگی:** زمانی که فرد در بورس سرمایه‌گذاری می‌کند، اگر به پول خود نیاز پیدا کند، سریع‌تر از سرمایه‌گذاری‌های دیگر می‌تواند سهام یا سرمایه خود را به پول نقد تبدیل کند. فرض کنید فردی با خرید ماشین، زمین یا مسکن، سرمایه‌گذاری کرده است. تبدیل هر کدام از این سرمایه‌ها در زمانی که فرد به پول خود نیاز فوری دارد، زمان‌بر است و به راحتی انجام نمی‌شود. اما اگر این فرد سهام خریده‌باشد، این سهام در هر روز کاری قابلیت فروش دارد، مگر آنکه نماد سهم به دلایل معلومی (مانند برگزاری مجمع عمومی سالانه) بسته شده باشد. البته عموماً مدت زمان توقف و بازگشایی نماد طبق قانون مشخص است. اطمینان از محل سرمایه‌گذاری و شفافیت بازار: کلیه فعالیت‌های بورسی، با توجه به مجوز قانونی مربوط به خود و با نظارت یک نهاد ناظر، با عنوان «سازمان بورس و اوراق بهادار» فعالیت می‌کنند. شرکت‌های بورسی بر اساس قانون موظف‌اند اطلاعات مجاز خود را به‌طور مرتب و

دوره‌ای در اختیار خریداران و فروشندگان

# بزن قدش

می خواستم گریه کنم. غرورم اجازه نداد. همه خندیدند، او نخندید. در نگاهش عذرخواهی بود! همین باعث شد همان لحظه ببخشمش. آخر بازی آمد و گفت: «بزن قدش...»

**ورق سوم:** این پسر کفر من را در می آورد! به طرز اعصاب خردکنی مستقل بود. مسابقه روزنامه دیواری در مدرسه برگزار شد. من و او با هم مقوا خریدیم. او به کتابخانه مسجد رفت و من به خانه. از پدر و مادر و برادر و هر کسی که می توانست، خواستم بخشی از کار را انجام دهد. روزنامه هم قشنگ شد. جایزه ها را سر صف دادند؛ من اول شدم و او سوم، ولی می دانستم ارزش آن سوم شدن بیشتر از اول شدن من بود.

روز اولی که به هنرستان رفتیم، در چهره تک تک هم کلاسی هایم دقت کردم. از خودم پرسیدم می توانم حدس بزنم کدامشان دوستان صمیمی من خواهند شد؟ ولی چهره او را ندیدم. او از روز دوم آمد و چون هیچ نیمکتی هم خالی نبود، مستقیم آمد و با بی تفاوتی کنارم نشست. درس دانش فنی و ریاضی در دو زنگ اول این قدر بهانه دستم می داد که با هم حرف نزنیم. من هم بی هیچ دلیلی، چندان از او خوشم نمی آمد! قد بلندتر از من بود و من می خواستم به همین بهانه بروم ردیف های عقب بنشینم تا من در اقلیم یک نفره خودم حکومت کنم. سعدی می گوید: ده درویش بر گلیمی بخشیدند و دو پادشه در اقلیمی نگنجند.

البته اقلیم پادشاهی من هم چندان به من وفا نکرد! ما سه روز از پنج روز تحصیلی را در کارگاه بودیم و در ساعات های کلاسی هم معلم ها اصراری بر ثابت ماندن محل نشستن نداشتند.

وقتی از کنارم نشستنش پیش معاون گله کردم و سعی کردم رفتار نامناسبش را بهانه کنم، معاون گفت: «هر آدمی مثل یک کتاب است. باید آن را کامل ورق زد و خواند تا به شناخت رسید.»

او یکی از همان آدم ها بود. طی مدتی که با هم بودیم، بیشتر برایم ورق خورد. چند ورق از او را برایتان تعریف می کنم.

**ورق اول:** در کارگاه مدار چاپی خیلی خوب و تمیز کار می کرد. فیبری که او می زد نقص نداشت! نمی دانم چطور بود! به نظر شانس بود که همه کارهایش خوب از آب در می آمد. با او هم گروه بودم. او بود که پیشنهاد داد اسم هایمان را با ماژیک گوشه برد بنویسیم تا بعد از اسیدکاری، اسممان هم روی برد برق بزند. معلم به خاطر این خلاقیت تشویقمان کرد. اولین بار بود که او به من گفت: «بزن قدش...»

**ورق دوم:** خیلی خوب شوت می زد. از هفته دوم، در زنگ ورزش، موقع یارکشی برای فوتبال، سر او دعوا بود. یک بار هم شوت او به صورت من خورد. زمین خیس بود و هوا سرد. خیلی درد داشت.



کسی نمی‌آید! روز بعد وقتی رفتیم از دفتر مدرسه گنج بیاورم، دیدم یکی از دانش‌آموزان را زخمی آوردند. دستانش خون‌ریزی می‌کرد. گفتند رفته بود از بالای کارگاه توپ را بیاورد که شیشه‌ای شکسته دستش را برید...  
**ورق پنجم:** در مدرسه ما قرآن صبحگاهی را هر روز یکی از دانش‌آموزان می‌خواند. ولی صدای او چیز دیگری بود. به دل می‌نشست! طنین قشنگی داشت. هنوز تصویرش، در حالی که با آن کاپشن آبی، چشم‌هایش را می‌بست و تلاوت می‌کرد، یادم هست. فکر کنم از حفظ می‌خواند! وقتی اذان می‌گفت، می‌شد فهمید تعداد بچه‌هایی که وضو می‌گیرند و به نمازخانه می‌آیند، بیشتر شده است. قبل از هر امتحان، آیة‌الکرسی را سر صف می‌خواند و ما هم قسمت به قسمت با او تکرار می‌کردیم. هیچ وقت به او نگفتم که به خاطر هم‌خوانی با او آیة‌الکرسی را حفظ شدم.

**ورق ششم:** زبان انگلیسی‌اش زیاد خوب نبود. سر امتحان فهمیدم معنی یک کلمه را نمی‌داند. یواشکی جواب را به او گفتم. حس کردم فرصتی بود تا خودی نشان بدهم و برایش کاری کرده باشم. از خودم خوشم آمد! کیف کردم! بعد از امتحان به او گفتم: «خوب شد آن کلمه را به تو گفتم!» خندید و تشکر کرد. برگه‌ها را که دادند، او غایب بود. برگه‌اش را من گرفتم. ۱۴،۵ شده بود، اما جای آن یک کلمه که من به او گفته بودم، خالی بود...

**ورق آخر:** به خاطر شغل پدرش که نظامی بود، اوایل سال یازدهم از هنرستان ما رفت. آن موقع موبایل هم نداشتیم تا از هم خبر بگیریم. راستش فرهنگش را هم نداشتیم. فکر می‌کردیم دوستان هنرستان فقط برای همان جا هستند! چه دوستی‌ها که می‌توانست سال‌ها دوام داشته باشد و این‌گونه کمرنگ شد! سال‌ها گذشت...

من مدیر یک کارخانه ساخت لو کوموتیو قطار شده‌بودم. برای خرید کنترل درایو، یک شرکت داخلی برنده مناقصه شد. در تمام طول جلسه احساس کردم مدیر آن شرکت را می‌شناسم. به نظرم او هم چنین احساسی داشت، ولی جرئت نکردم احساسم را در جلسه کاری مطرح کنم! در پایان جلسه، موقع نوشتن قرارداد، مکتی کرد، دستش را جلو آورد و گفت: بزن قدش...  
 (تقدیم به روح بلند حمیدرضا ستاره کوب و همسرش که بخش‌هایی از این داستان الهام گرفته از چند ورق زندگی با او بود.)

من نفر اولی بودم که به نفر سوم حسادت می‌کردم! از بالای ایوان مدرسه که پایین آمدیم، با یک جمله از احوالاتم بیرون آمدم. دستش را دراز کرد و گفت: «بزن قدش...»

**ورق چهارم:** توپ والیبال که بالای ساختمان کارگاه هنرستان افتاد، من و او دو نفری با نردبان به پشت‌بام رفتیم و توپ را انداختیم پایین. قبل از پایین آمدن، یک تکه شیشه شکسته را لبه پشت‌بام نزدیک نردبان دید. به من که هنوز آن بالا بودم گفت: «اون شیشه رو بنداز اون طرف، می‌بره دست بچه‌ها رو.» عجله داشتیم. با خودم گفتم مهم نیست. اینجا هم



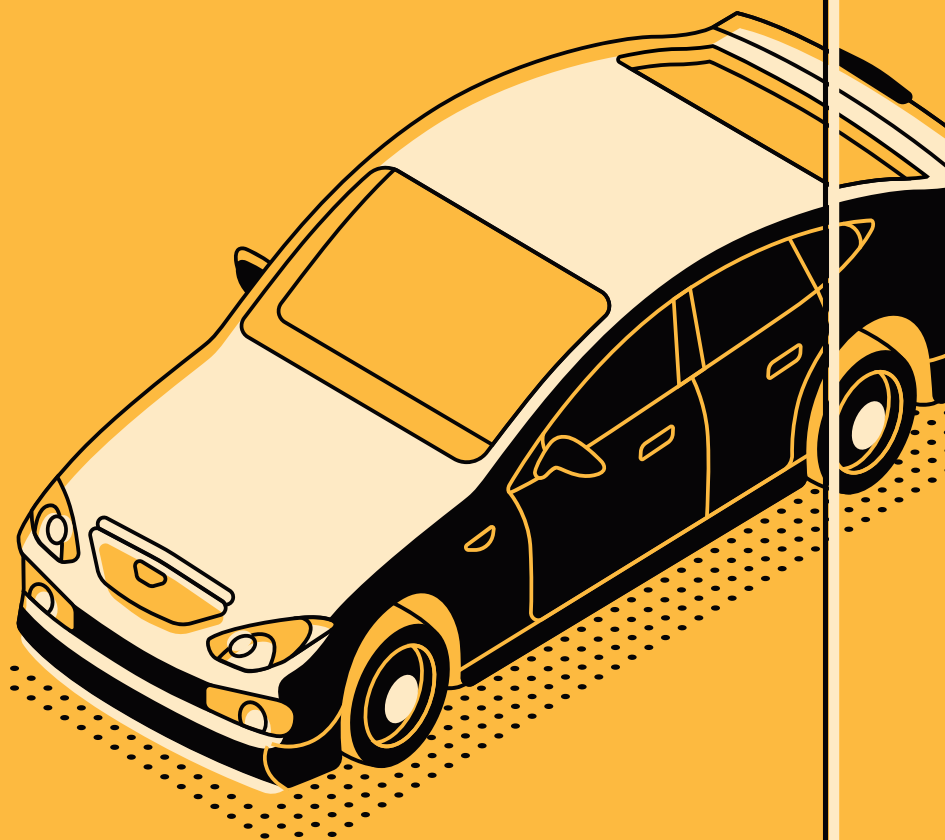


## تاکسی همراه

یکی از استارت‌آپ‌های موفق و نوظهور کشور که با هدف تسهیل حمل و نقل عمومی و ایجاد بستر مناسب برای مدرن‌سازی سفرهای درون شهری شروع به کار کرده است برنامه‌های تاکسی‌های اینترنتی هستند.

قرار نیست از خیلی سال پیش حرف بزنیم. می‌خواهیم فقط چند سال به عقب برگردیم. حدود سال‌های ۹۴ یا ۹۵؛ یعنی روزهای ۱۰ تا ۱۲ سالگی شما. باورتان نمی‌شود که یکی از آرزوهایمان این بود که دم در خانه بایستیم و ماشین بیاید، سوار شویم و بی‌دردسر در خیابان معطل شدن، به مقصد برسیم؛ همین! حالا چه برسد به اینکه ماشین به نسبت تمیز و مرتب باشد، راننده‌اش با اخلاق باشد، هزینه‌ای که قرار است بپردازیم منصفانه باشد، راننده بدون پرس‌وجو از دیگران راهش را به آسانی پیدا کند و اگر پول نقد نداشتیم، از حسابمان بپردازیم و تخفیف هم داشته باشیم و ...

کوتاه می‌کنم، اما بگذارید بگویم که خوش به حالتان! در دوره خوبی زندگی می‌کنید! فقط می‌ماند یک نکته. ما هنوز آرزوهای دیگری هم داریم؛ آرزوهایی که اگر کمی جدی‌تر گرفته شوند و انسان‌های خلاق و توانمندی آن را بررسی کنند، می‌توان به آن‌ها رسید! این روزها آرزوها چندان هم دست‌نیافتنی به نظر نمی‌رسند. دست به کار برآوردن آرزوها شوید.



### ایده از کجا آمد

عضو جدیدی به آن اضافه‌شد تا امروز که به تعداد قابل توجهی رسیده‌است. در ابتدا بخشی از کار را برون‌سپاری می‌کردند، اما امروز تیمی قوی دارند که درون مجموعه مستقر است. البته خودشان گفته بودند خیلی متعجب نخواهند شد اگر به زودی بشنوند که چند جوان دورهم جمع شده‌اند تا این کسب و کار را در شهر خود پیاده کنند.

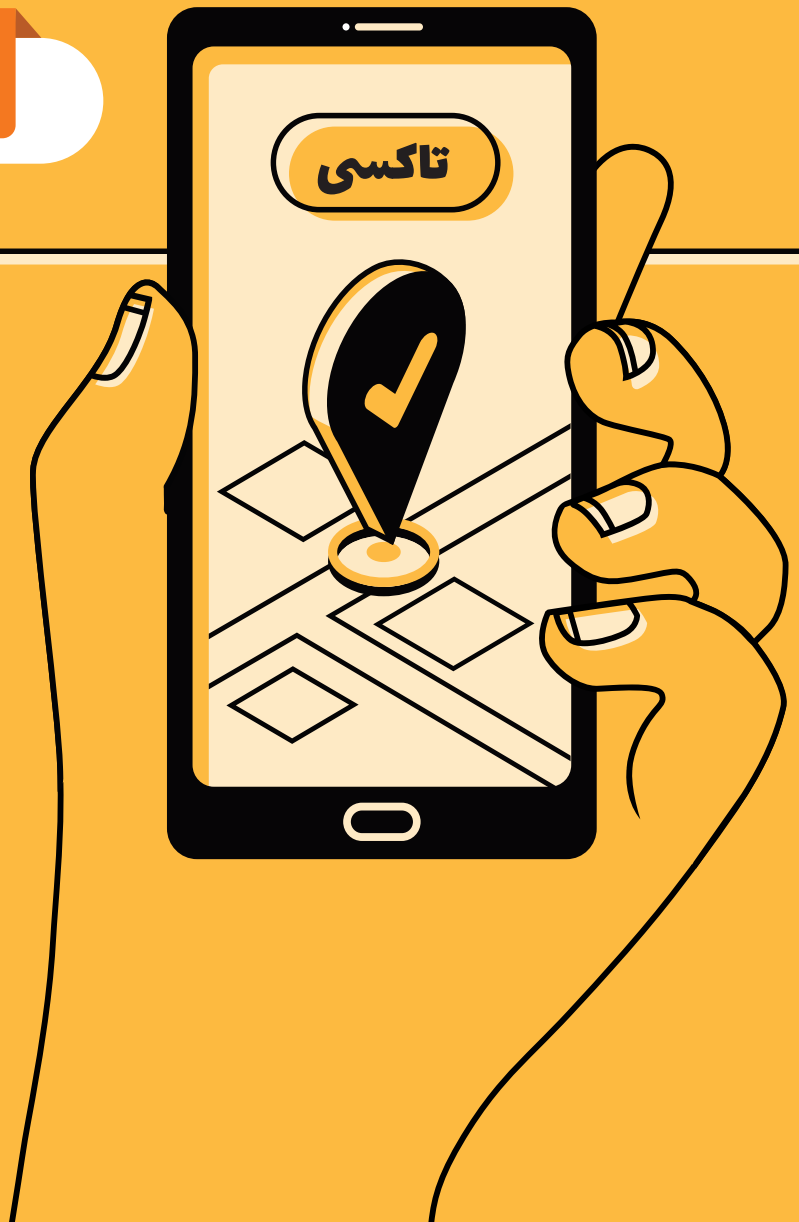
بنابراین، نگران نباشید و از آن‌ها ایده بگیرید.

قصه تاکسی اینترنتی هم از سال ۹۴ شروع شد. چند نفر به فکر افتادند در دسر جابه‌جایی را برای مردم کمتر کنند. این فکر خوب است، اما اگر قرار باشد مردم برای کم شدن دردسر، بهای بیشتری بپردازند، خیلی‌ها دردسر را ترجیح می‌دهند. پس باید کاری کرد که هم از لحاظ اقتصادی به صرف خدمت گیرنده (در اینجا مسافر) باشد و هم به صرف خدمت‌دهنده (راننده).

مثل همه استارت‌آپ‌ها با چهار پنج نفر شروع شد، اما تقریباً هرماه

## اما و اگرهای درآمد

تاکسی اینترنتی می‌تواند قسمتی از درآمدش را از مسافر بگیرد و قسمتی را از راننده. به نظرتان این کافی است؟ معلوم است که نه. شاید این استارت‌آپ قسمتی از درآمدش را از آژانس تبلیغاتی می‌گیرد و قسمتی را از نهادهای دولتی مثل شهرداری‌ها! از تبلیغات هدایت‌شده‌اش هم سود می‌برد. حتی می‌تواند از کارخانه‌های خودرویی که با آن‌ها برای فروش اقساطی خودرویشان قرارداد بسته‌است هم سود بگیرد. می‌تواند از شرکت‌های بیمه‌ای که قراردادهای کلان بیمه خودروهایش را پیش آن‌ها می‌برد نیز سودی بگیرد. ما هم نمی‌دانیم تاکسی اینترنتی در حال حاضر واقعاً از کجا پول در می‌آورد؟ اما مهم این است که اکنون جزو استارت‌آپ‌های موفق است و روز به روز بر تعداد کارکنان و کاربرانش افزوده می‌شود.



## کجا می‌خواهی بازی کنی؟ چگونه می‌خواهی ببری؟

قوانینی مثل عرضه و تقاضا یا سؤالاتی از جنس این دو سؤال مهم به این نگاه نمی‌کنند که من چقدر زحمت کشیده‌ام و حقم چیست! به این هم نگاه نمی‌کنند که این تقصیر جامعه بود که الان من در جایگاه دلخواهم نیستم! همچنین، به این نگاه نمی‌کنند که چقدر تغییر سخت است! تو در آغاز راه قرارداری. مسیرت را روشن کن و بسم‌الله بگو.

## چالش‌های مسیر استارت‌آپ

- مهم‌ترین دغدغه تاکسی اینترنتی، مثل بقیه استارت‌آپ‌ها، اعتمادسازی بین کاربران است. این استارت‌آپ برای ایجاد اعتماد خیلی تلاش کرد.
- چالش بعدی زیرساخت است؛ زیرساخت‌هایی که تحت کنترل و اختیار خود استارت‌آپ نیست؛ مثل اینترنت همراه، درکسب و کار مبتنی بر اینترنت، کاربر باید حتماً به اینترنت دسترسی داشته باشد.
- چالش سوم هم که تقریباً تمام استارت‌آپ‌ها با آن روبه‌رو هستند، نیروی انسانی است؛ نیروی انسانی قوی و خلاق.

### شعر امروز

بگذار که این باغ درش گم شده باشد  
گل‌های ترش برگ و برش گم شده باشد  
جز چشم به راهی به چه دل خوش کند این باغ  
گر قاصدک نامه برش گم شده باشد  
باغ شب من کاش درش بسته بماند  
ای کاش کلید سحرش گم شده باشد  
بی اختر و ماه است دلم مثل کسی که  
صندوقچه سیم و زرش گم شده باشد  
شب تیره و تار است و بلا دیده و خاموش  
انگار که قرص قمرش گم شده باشد  
چاهی است همه ناله و دشتی است همه گرگ  
خواب پدری که پسرش گم شده باشد  
آن روز تو را یافتم افتاده و تنها  
در هیبت نخلی که سرش گم شده باشد  
پیچیده شمیمت همه جای تن بی سر  
چون شیشه عطری که درش گم شده باشد

**سعید بیابانکی**

هوهو زنان بیا نفست حق!

پیر سپیدجامه رقصان!

ای برفا... ای شکرفا!

آن کثرت همیشگی شیء و رنگ را

یک باره از بسیط زمین پاک کرده‌ای

کولاک کرده‌ای!

**محمد مهدی سیار**

### شاعران هنرستانی



سعید بیابانکی متولد چهارم مهر

۱۳۴۷ در خمینی شهر اصفهان

است. او از جمله شاعرانی است

که تحصیلات متوسطه خود را در

هنرستان سپری کرده و هنرجوی

رشته برق هنرستان شهید رجایی در خمینی شهر بوده

است. بیابانکی شاعری را از سال ۱۳۶۲ در سن ۱۵

سالگی و به تشویق اصغر حاج حیدری، شاعر سده‌ای

که مستخدم مدرسه بود، آغاز کرد و به تدریج با ورود

به انجمن ادبی سروش و انجمن ادبی صائب اصفهان، در

محضر استادانی چون صاعد اصفهانی، خسرو احتشامی،

محمد مستقیمی و خلیل بلدی حضور پیدا کرد. اولین

کتاب شعر او را حوزه هنری با نام «ردپایی بر برف» در

سال ۱۳۶۹ منتشر کرد، ولی شهرت بیابانکی به عنوان

یک شاعر صاحب سبک، در سال ۱۳۷۶ با انتشار کتاب

«تیمی از خورشید» اتفاق افتاد. بیابانکی تحصیلات خود

را در سال ۱۳۷۲ در رشته کامپیوتر در دانشگاه اصفهان به

پایان رساند. در سال ۱۳۸۸ نیز از دانشگاه اصفهان نشان

درجه یک طلایی دریافت کرد. این نشان به کسانی داده

می‌شود که در حوزه‌های علمی و فرهنگی کشور به جایگاه

شایسته‌ای رسیده باشند. بیابانکی مدیر روابط عمومی

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، دبیر

هنری سیزدهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره،

عضو شورای عالی شعر صدا و سیما، عضو شورای علمی

جشنواره شعر فجر، و عضو شورای شعر وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی است.

برنامه تلویزیونی نقد شعر در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵

در ۵۲ قسمت، هر هفته از شبکه چهار با سردبیری و

اجرای سعید بیابانکی به صورت زنده پخش شد. برخی از

آثار این شاعر را خوانندگان مثل علیرضا افتخاری، حسام

الدین سراج، حجت اشرف زاده، مجید اخشابی و حمید

غلامعلی اجرا کرده‌اند. وی در حوزه شعر و نثر طنز نیز

چهار مجموعه مستقل دارد.

چارپاره‌های او به تعبیر منتقدان از نمونه‌های برتر چارپاره

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی است. بیابانکی در

زمینه شعرهای عاشقانه آیینی و اجتماعی، و طنز آثار

مشهوری دارد که در حافظه خیلی‌ها جای گرفته‌است.



## جوچین

قبل از اینکه جوچین شعر این شماره را مطرح کنیم، بهتر است جواب شماره قبل را بگوییم و اندکی درباره اش حرف بزنیم:

همان طور که از قالب شعر پیداست، با غزلی با ردیف «شعر است» مواجهیم. پس تکلیف دو کلمه «شعر» و «است» مشخص شد. همچنین، در این شعر قافیه‌ها کلماتی‌اند که به «ان» ختم می‌شوند. پس کلمه «جهان» یا «زبان» می‌توانند قافیه باشند. اما ترکیب «زبان مشترک» ما را به انتخاب «جهان» به‌عنوان قافیه سوق می‌دهد. از آنجا که شعر بسیار روان است، می‌توان حدس زد که شاعر، کلمات «خلاصه/اینکه» و «مردم/جهان» را با هم ترکیب کرده است. حالا باید با سایر کلمات طوری جمله بسازیم که وزن بیتمان با ابیات قبل هماهنگ باشد: خلاصه اینکه به فتوای شاعرانه من زبان مشترک مردم جهان شعر است

### و اما جوچین امروز

رباعی زیبایی زیر اثر شاعر جوان جناب میلاد عرفان‌پور است. با توجه به کلمات داخل پرانتز، مصراع آخر آن را بسازید. در این همه راه غیر گمراهی نیست در این همه رنگ آنچه می‌خواهی نیست در شهر خیابان به خیابان گشتم .....(نیست/هست / که/آن قدر/آگهی/آگاهی)

**راه‌نمایی:** شکل قرارگیری قافیه‌ها در این شعر هم مانند غزل است و مصراع اول با مصراع‌های زوج آن هم قافیه و هم ردیف است.

محمد نوروزی فرسنگی

## چهار در چهار

هر چند که از آینه بی‌رنگ‌تر است  
از خاطر غنچه‌ها دلم تنگ‌تر است  
بشکن دل بی‌نوای ما را ای عشق  
این ساز شکسته‌اش خوش آهنگ‌تر است

کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت  
با زخم نشان سرفرازی نگرفت  
زین پیش دلاور! کسی چون تو شکفت  
حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

ای دست تو سازنده دل‌های بزرگ  
ای عشق تو نوازنده دل‌های بزرگ  
من منتظرم تو را که تشریف غمت  
داغی است برازنده دل‌های بزرگ

ای گشته شب سیاه، تبعیدی تو  
عید سحر است و مرگ شب عیدی تو  
تا حشر نشان کهکشانشان دل ماست  
منظومه زخم‌های خورشیدی تو

سید حسن حسینی

## وزن در شعر

قبلاً هم گفته‌ایم، آهنگ الزماً شنیداری نیست. گاهی ممکن است شعری وزن نداشته باشد، اما هارمونی و هماهنگی کلمات آن، آهنگی دل‌نشین در ذهنمان بنشانند. به این متن دقت کنید! پدر به جنگ رفت. من به پدر نرفته‌ام. می‌بینید! تناسب دو جمله و در عین حال آوردن هر دو وجه دور و نزدیک کنایه (رفتن به) با ایجاد هماهنگی در کلمات، متن را فکر برانگیز و زیبا کرده است.

یکی از ابزارهایی که ما را در ایجاد شعری دل‌نشین کمک می‌کند، تسلط بر زبان است. بیایید ببینیم اصلاً خود زبان چیست؟ زبان موجودی است که مدام در ذهن ماست. تا زمانی که بیداریم دست از سرمان بر نمی‌دارد و مدام در حال کلنجار با ماست. حتی گاهی باعث می‌شود خواب‌های خردگوشی‌مان را رنگی ببینیم. در واقع، زبان همان اندیشه است و دستور زبان وسیله‌ای

است برای بروز و نمود آن. گاهی اندیشه‌های ناب، به خاطر نبود تسلط بر دستور زبان، درست ابراز نمی‌شوند و بشریت از وجود آن‌ها محروم می‌شود. یکی از راه‌های تسلط بر زبان، مطالعه زیاد اشعار ناب و تماشای تسلط شاعر و تسخیر و احضار واژگان توسط اوست. به این بیت از قیصر امین‌پور دقت کنید: نمی‌دانم بگو عشق تو از جانم چه می‌خواهد چه می‌خواهد بگو عشق تو از جانم نمی‌دانم همان طور که می‌بینید، جابه‌جایی کلمات مصراع اول در مصراع دوم، نحو و حال و هوای جدیدی به وجود آورده، به طوری که انگار مصراع دوم گفت‌وگویی بین دو نفر است. ضمن اینکه همه اتفاقات در بستر وزن و آهنگ شنیداری صورت گرفته‌اند و این فقط به خاطر تسلط شاعر بر نحو و دستور زبان است.

# ما را رنگ نکن





استاد می‌شه به غیر از فتوشاپ از نرم‌افزارای دیگه هم استفاده کرد؟



بله خب، حالا ما می‌خوایم چند تا طرح رو روی تخم مرغ کار کنیم. من توی فتوشاپ طرحا رو وارد می‌کنم تا به تغییراتی بدم.



بله استاد، درست می‌فرمایید...



شدنش که می‌شه، اما عزیزم، خروجی همه‌شون یکی می‌شه. یعنی مثل همین تخم‌مرغایی که ما رنگ می‌کنیم، ظاهرشون با هم فرق داره، اما واقعیت اینکه همه‌شونو که تو ماهی‌تابه بشکنی، یه زرده و یه سفیده دارن! عین هم...



تخم مرغ اول رو شیک‌وندم، اما دومی رو هم شیک‌وندم، اما ای دل غافل!



این شد که ما یه سری از تخم مرغای رنگی رو برداشتیم تا بشکنیم. هم یه نیمرو بز نیم و هم به پندی که استاد داد یقین پیدا کنیم.



و این شد که کلا پند حکیمانه استاد عزیز ما زیر سؤال رفت!



تخم مرغ سوم دو زرده بود و هیچ شباهتی به قبلی‌هاش نداشت...





# رشته همه فن حریف



به کار با رایانه علاقه داشت و می‌خواست در دانشگاه مرتبط با این موضوع بخواند. برای همین هم اول رشته ریاضی و فیزیک را انتخاب کرد. اما خیلی زود تصمیم گرفت تغییر رشته بدهد. این شد که ریاضی فیزیک را به قصد یکی از رشته‌های هنرستانی رها کرد. رشته مکترونیک در شهرشان نبود. اگر بود طها حتماً الان دانش‌آموخته مکترونیک بود. با شناختی که از خودش داشت، تصمیم گرفت رشته شبکه و نرم‌افزار را انتخاب کند. از همان روزهای اول که وارد هنرستان شد، آن قدر جدیت، علاقه و اشتیاق نشان داد که یکی از دوستانش طراحی وب سایتی را به او سپرد. از همان موقع به‌طور جدی در کنار درس کار کرد. خودش می‌گوید: «درآمد متغیر است و گاهی به ۵ میلیون تومان هم می‌رسد.»

## ● در یک خط رشته‌ات را تعریف کن.

یکی از چند رشته مهم و پر قدرت قرن ۲۱ و قرن‌های آینده. کار من هم یادگیری و کسب مهارت در آن است.

## ● چرا این رشته را انتخاب کردی؟

از وقتی یادم هست، علاقه خاصی به رایانه داشتم. خیلی وقت‌ها دور از چشم پدرم رایانه را روشن می‌کردم و کشف‌هایی انجام می‌دادم. البته این‌ها همه مربوط به قبل از دبستانم بودند. به مرور که بزرگ‌تر شدم و با دنیای رایانه آشنا تر، علاقه‌ام هم بیشتر شد. کلاس ششم که بودم، تازه تلویزیون سبدهای به بازار آمده بود. من با استفاده از نرم‌افزار مبدل، فیلم‌ها را سبدهای می‌کردم و به همسایه‌ها و فامیل و ویدیو کلپ‌ها می‌فروختم.

اگر دنبال یک راه میانبر می‌گرددی که زودتر به مقصد برسی و قابلیت‌های خودت را نشان بدهی و استعدادت را بال پروازت کنی، نگاهی به رشته‌های هنرستانی بینداز، چرا که در این رشته‌ها مهارت‌هایی را می‌آموزی که زودتر دانش را به عمل تبدیل می‌کنی. آموزش‌های مهارتی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش برای تو فرصت‌های خوداشتغالی فراهم خواهد کرد و خیلی زودتر از آنچه فکر می‌کنی تو را جذب بازار کار می‌کند.

این شماره: طها علی نیا، رشته شبکه و نرم‌افزار رایانه، هنرستان عارف بجنوردی، شهر بجنورد.

طها علی نیا به تازگی از رشته شبکه و نرم‌افزار فارغ‌التحصیل شده و در حال برنامه‌نویسی نرم‌افزاری مهم برای یک سازمان دولتی است. از همان دوران کودکی



کامپیوتری و تدریس فتوشاپ.

● **پس دیگر حسابی متخصص شده‌ای؟**

من صفری هستم در میان یک‌ها.

● **کدام کار را بیشتر ترجیح می‌دهی؟**

طراحی و پیاده‌سازی شبکه و برنامه‌نویسی.

● **مانعی هم سر راحت داشتی؟**

متأسفانه رشته‌های فنی در ایران چندان معرفی و حمایت نمی‌شوند. با توجه به فرهنگ نامناسب و تبلیغات بد و بدبینی جامعه نسبت به هنرستان‌ها، خیلی از مردم فکر می‌کنند هر کسی که وارد هنرستان می‌شود، نسبت به دبیرستانی‌ها ضعیف‌تر است. یا اینکه می‌گویند هنرستان‌ها امکانات و تجهیزات کافی و مناسب ندارند. من هم اول رشته ریاضی را انتخاب کردم، اما آن هم به این خاطر که خانواده دوست داشتند شغل دولتی داشته باشم. اما یک سال که خواندم، دیدم اصلاً به آن علاقه‌ای ندارم. با وجودی که معدل خوبی هم داشتیم، تغییر رشته دادم.

● **پس تغییر رشته داده‌ای؟**

بله. از رشته ریاضی اصلاً راضی نبودم. احساس می‌کردم هیچ مهارتی را یاد نمی‌گیرم. به‌واسطه شغل پدرم که کارشناس فنی و حرفه‌ای است، با این رشته آشنا شدم. اول دوست داشتم مکترونیک بخوانم، ولی چون شهر ما این رشته را نداشت، شبکه را انتخاب کردم.

● **خب، به نظرت امکانات هنرستان‌ها مناسب است؟**

شاید هنرستان‌ها همه امکانات را نداشته باشند، ولی باید پرسید آیا

● **پس از همان دوره ابتدایی به فکر کار و کسب و درآمد بوده‌ای؟**

می‌دانستم تا در موقعیت چیزی قرار نگیری، کار را به درستی یاد نمی‌گیری. این بود که کار کردن را شروع کردم؛ نه به خاطر نیاز مالی. کار کردن در سن نوجوانی تجربه کاری و اجتماعی فرد را بالا می‌برد.

● **کجاها کسب تجربه کرده‌ای؟**

فعلاً در تعمیرات موبایل، دفترهای طراحی، مراکز امداد آنلاین، تعمیرات

## ادامه تحصیل

می‌توانید در یکی از دانشگاه‌های دولتی فنی و حرفه‌ای و مؤسسات غیرانتفاعی، دانشگاه آزاد، و مراکز علمی کاربردی در دوره کاردانی پیوسته (فوق دیپلم) ادامه تحصیل دهید. گرایش‌های این رشته: نرم‌افزار، سخت‌افزار، فناوری اطلاعات یا آی تی. پس از گذراندن دوره‌های کاردانی و کارشناسی می‌توانید در دوره‌های ارشد و دکترا در دانشگاه‌هایی همچون تهران، شریف و امیرکبیر ادامه تحصیل بدهید.

## بازار کار

برنامه‌سازی دستگاه‌های رایانه‌ای؛ طراحی و برنامه‌نویسی؛ پشتیبانی؛ تولید محتوای الکترونیکی؛ سرپرستی سایت؛ سرپرستی شبکه‌های رایانه‌ای؛ فعالیت در کارگاه‌های سخت‌افزاری؛ تولید و مونتاژ صدا، تصویر، فیلم و پویانمایی؛ طراحی و ساخت محصولات تبلیغاتی از جمله تیزر، پوستر و کاتالوگ.

## در این رشته می‌آموزیم

- بررسی و شناخت نرم‌افزارها و سخت‌افزارها و به‌کارگیری آن‌ها
- تجزیه و تحلیل دستگاه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری
- اجرای طرح‌های رایانه‌ای نصب، آزمایش و آموزش
- نگهداری از دستگاه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری
- عیب‌یابی‌های رایانه‌ای و دستگاه‌های رایانه‌ای و رفع آن‌ها
- شناسایی فنون جدید طراحی و ساخت رایانه‌ای

## مهارت‌های این رشته

سخت‌کوشی؛ قدرت حل مسائل پیچیده؛ قدرت تصمیم‌گیری بالا؛ تفکر خلاق؛ قدرت پردازش اطلاعات؛ یادگیری فعال و مستمر؛ دید منطقی و الگوریتمی.

# مکانیک توپ

فوتبال ورزش جذابی است؛ آن قدر جذاب که با پرس‌وجویی ساده در جمع‌های دوستانه و بین اعضای خانواده، می‌توانیم محبوبیت این ورزش و علاقه به فوتبالیست شدن را بین دوستانمان ببینیم.

اما هر بازیکن فوتبالی، در کنار عشق به فوتبال، علاقه‌های دیگری هم دارد. داشتن علاقه بخشی از ضرورت یادگیری هر حرفه است، اما همه ما، با هر شغلی، چه مهندس، چه دانش‌آموز و چه بازیکن فوتبال، باید علاوه بر تخصص در رشته خودمان، حرفه و هنری را هم که قابل درآمدزایی باشد بیاموزیم و سعی کنیم از سن کم از تخصصمان پول در بیاوریم؛ حتی اگر بخواهیم فوتبالیست شویم و قراردادهای گران‌قیمت ببندیم.

یکی از جوانانی که تنها به تخصص فعلی‌اش بسنده نکرده‌است و هر زمان که بخواهد می‌تواند با حرفه دیگری کسب درآمد کند، **علیرضا جهانبخش** است.

فوتبال‌دوستان و حتی کسانی که تنها تماشاگر بازی‌های ملی بوده‌اند، علیرضا جهانبخش را به خوبی می‌شناسند.

او متولد ۱۳۷۲/۵/۲۰ در گیلان است؛ البته او و خانواده‌اش، دو سال بعد از تولد علیرضا، از گیلان به قزوین نقل مکان کرده‌اند.

علیرضا هم مانند بیشتر بازیکنان فوتبال، بازی را از کوجهای محله و بین دوستان خود شروع و فعالیت حرفه‌ای و جدی‌تر را در سن هجده سالگی در تیم داماش گیلان آغاز کرده است.

او حالا در تیم برایتون انگلستان بازی می‌کند و لقب آقای گل هلند را دارد که برای یک ایرانی در لیگی اروپایی بی‌سابقه است.

فوتبال همیشه عشق و هدف اول علیرضا بوده و او از کودکی برای رسیدن به آن کوشیده است، اما تمام علاقه او نبوده است. «دوچرخه‌ها» بهترین خاطره‌های کودکی و نوجوانی او بوده‌اند.

پدر علیرضا در کارخانه دوچرخه‌سازی کار می‌کرد و بعد از ظهرها، بعد از تعطیلی مدرسه، پسرش را هم با خود به کارخانه می‌برد. همراهی با پدر جرقه‌ای از علاقه به دوچرخه‌سازی و تعمیر آن را در وجود علیرضا می‌نشانده بود.

پدر علیرضا هم همیشه نگران آینده مالی و استقلال اقتصادی فرزندش بود. همین نگرانی باعث شد تعمیر دوچرخه را به او آموزش دهد. علیرضا هم که در سن نوجوانی هنوز از راه فوتبال به درآمد نرسیده

دیبرستان‌های ما هم امکانات کافی دارند؟ خیلی از دیبرستان‌های ما حتی آزمایشگاه فعالی برای موارد تشریح در رشته علوم تجربی ندارند. در سطح هنرستان گاهی هنرجویانی داریم که خیلی قوی‌تر از بعضی از دیبرستانی‌ها هستند.

## ● به کسی هم این رشته را پیشنهاد می‌کنی؟

اگر کسی علاقه دارد فراتر از درس خواندن در مدرسه، مهارتی یاد بگیرد، این رشته و در کل هنرستان را پیشنهاد می‌کنم.

## ● برای ورود به این رشته صرفاً علاقه کافی است؟

برای ورود به هر رشته‌ای اول علاقه مهم است، بعدش توانایی فردی و در آخر معدل درسی. برای ورود به این رشته باید از نظر ریاضی، منطق و استدلال قابلیت درک و فهم بالایی داشته باشید و بعد فکری باز برای حل کردن مشکلات. برای وقت گذاشتن روی تک‌تک خط‌های کدهای دستوری، صبر و حوصله زیاد لازم است.

همان‌طور که در ابتدا گفتم، دنیای کامپیوتر دنیای اعداد و ارقام است. وقتی شما نتوانید معادله‌ای را حل کنید، هیچ وقت نمی‌توانید برنامه‌نویس خوب و یا حتی تعمیرکار خوب باشید.

## ● برای کار در این حرفه چه چیزی لازم است؟

اول تخصص. برای ورود به بازار کار حرفه‌ای، بعد از تخصص، اول هدف را مشخص کنید. اگر قصد کار کردن در جایی را دارید، چیزی احتیاج ندارید. همان تخصص کافی است. ولی اگر می‌خواهید به صورت شخصی یا آزاد کار کنید، باید حداقل ابزار مورد نیاز، مثل یک رایانه، را داشته باشید.

## ● کار کردن سخت است؟

طبق فرموده امام علی (ع)، کسب روزی حلال از جنگ با شمشیر هم سخت‌تر است.

## ● یک آرزوی کاری

دوست دارم روزی یک شرکت چندملیتی داشته باشم و سخت‌افزاری با کیفیت و محصولات را تولید کنم که سرتاسر جهان خواستار آن باشند.

## ● یک نصیحت دوستانه

هدف‌های خودتان را دنبال کنید. به کنایه‌ها و حرف‌های منفی توجه نکنید. وقتی به جاهای بزرگ برسید، بقیه تحسینتان خواهند کرد.

## ● دنیای صفر و یک

دنیای رایانه دنیای اعداد و ارقام، و صفر و یک است. توی این رشته هیچ کس به دیگری برتری ندارد. کسی نمی‌تواند ادعا کند همه چیز را می‌داند. رشته شبکه و نرم‌افزار آینده همه مشاغل است. شما اگر پزشک هم باشید، در آینده، برای عمل‌های جراحی موفق‌تر، به روبات‌هایی نیاز دارید که تجهیزات الکترونیکی بیشتری داشته باشند.



# من یک هنرستانی ام



# ۵۰

بازی ملی

# ۷

گل ملی

بود، دوچرخه تعمیر می‌کرد و بعد از تعمیر به سراغ تمرین فوتبال می‌رفت. علاقه علیرضا به دوچرخه، موتور و ماشین تا جایی ادامه یافت که برای ادامه تحصیل هنرستان را برگزید و در رشته «مکانیک خودرو» که نزدیک‌ترین رشته به علاقه‌اش بود، درس خواند. او با تمام عشقی که به فوتبال و آموختن فوتبال در مدرسه فوتبال قزوین داشت، حاضر نشد رشته تحصیلی اصلی‌اش، مکانیک خودرو، را رها کند و به سراغ رشته‌ای ورزشی برود. خودش می‌گوید: «اگر فوتبالیست نمی‌شدم، یک مکانیک توپ می‌شدم.» علیرضا جهانبخش از معدود بازیکنان ایرانی است که در لیگ‌های اروپایی، مثل هلند و انگلستان، جایگاه و امتیاز بالایی دارد و در بازی‌های ملی هم جوانی افتخار آفرین است. جهانبخش که تمام کودکی را با دوچرخه و توپ گذرانده است، از هنرستان مدرک «دیپلم خودرو» دارد و تحصیل خود را در رشته زبان انگلیسی در یکی از دانشگاه‌های کشور هلند ادامه داده‌است.





### می‌خواهم فکر کنم

کامران که فارغ‌التحصیل هنرستان بود، از اینکه می‌شنید در روز هزارها تن زباله تولید می‌شود، ناراحت بود. او تصمیم گرفت برای بخشی از این مشکل راه‌حلی پیدا کند. رفت داخل اتاقش و نشست به فکر کردن، اما مادرش دل‌نگران شد و گفت: «بچه جون! این قدر فکر نکن. مثل عموی خدایبامرزت دیوونه می‌شی هان!»

کامران نتوانست مادرش را قانع کند که فکر کردن هم کار است، بنابراین به کتابخانه رفت و در آنجا نشست به فکر کردن. مدیر کتابخانه که دید او برای کتاب‌خواندن نیامده، عذرش را خواست. کامران مجبور شد به یکی از بوستان‌های شهری برود، روی دورترین نیمکت بنشیند و فکر کند. تازه به فکر رفته بود که پیرمردی آمد، کنار او نشست و گفت: «دیدم بدجوری نوبی فکری، گفتم پیام به کم برات تعریف کنم، از فکر درآیی.» بعد سر صحبت را باز کرد و خاطره‌های زندگی‌اش را از جنگ جهانی دوم تا امروز تعریف کرد.

کامران برای فکر کردن به بیابانی بی‌آب و علف رفت. مغزش را به‌کار انداخت و دید اگر با توجه به رشته‌اش، دستگاهی بسازد که پوست پرتقال را به لیوانی تبدیل کند که آب‌میوه فروشی‌ها آب‌پرتقال را در آن بریزند و دست مشتری بدهند، هم برای خودش کار و کسب خوبی می‌شود، هم نرخ تولید زباله پایین‌تر می‌آید. او بعد از مدتی دستگاهش را ساخت، اما برای اینکه آن را به تولید انبوه برساند، به وام و بعضی مجوزها نیاز داشت که محتاج دوندگی بود. کامران مثل بعضی‌ها خیلی زود خسته نشد. او ابتدا برای آمادگی جسمانی، در کلاس‌های پرش با مانع شرکت کرد و خوب که ورزیده شد، توانست از تمام مانع‌اداری و غیراداری سر راهش بپرد و دستگاهش را به تولید انبوه برساند. حالا شکر خدا چرخ زندگی و کار و کسبش خوب می‌چرخد و از زحمتی که کشیده راضی است.

## مارک‌دار

لیف و قیف و تنگ و فنجان مارک‌دار از لگن تا طرح لیوان مارک‌دار در همین دکان آقا اردلان یک مگس کش دیدم الان مارک‌دار شلغمی برچسب «میداین» هند داشت یک کدو هم بار نیسان، مارک‌دار کاش تنها بذر و کود و کودپاش از سبد تا بیل دهقان مارک‌دار قاطری در یونجه‌زاری می‌چرید

پوزبند و نعل و پالان، مارک‌دار بچه از بدو تولد مارک‌باز کفش بابا، شال مامان مارک‌دار همکلاسم از اتود تا خط کش و دفترش بود از دبستان مارک‌دار ماسک‌های ارسلان از دم برند کوله‌بار و کیف مهران مارک‌دار اینکه چیزی نیست حتی دیده‌ام یک کلوچه دست پویان مارک‌دار

کیسه‌دوزی کیسه‌ای «لیبل» خرید کیسه‌هایش شد به یک‌آن مارک‌دار با دو کیلو از همین برچسب‌ها می‌شود هر جنس داغان مارک‌دار قیمتش تا صد برابر می‌رسد هرچه شد این‌گونه آسان مارک‌دار همکلاسی جنس ایرانی بخر کم بدو تا خط پایان مارک‌دار



## درس هنرستان

آدم اگر به هنرستان می‌رود، نباید رشته‌اش را جار بزند، چون بعضی‌ها، تا بفهمند مثلاً در رشته برق درس می‌خوانی، توقع دارند تعمیر تمام وسایل برقی آن‌ها را به عهده بگیري. البته نه اینکه خدمت به دیگران بد باشد، اما درد این جاست که جنبه بعضی‌ها کم است و به جای خرید یا اجاره تراکتور، ترجیح می‌دهند با تراکتور شما زمینشان را شخم بزنند و ایسم این کار را زرتنگی می‌گذارند. اصلاً چرا راه دور برویم! غریبه و آشنا از وقتی فهمیده‌اند من در رشته کشاورزی درس می‌خوانم، برای هر کاری، از چیدن علف‌های هرز باغچه تا کاشتن گل در

گلدانشان، مزاحم اوقات شریفم می‌شوند. روزی هزار پیامک دارم که بیا ببین گل خرزهره ما چرا قد نمی‌کشد و آفتاب‌گردانمان سمت آفتاب نمی‌گردد؟! امروز صبح که داشتم به هنرستان می‌رفتم، آقا جلال همسایه، در حالی که دسته بیل شکسته‌ای در دست داشت، راهم را گرفت و گفت: «شنیده‌ام در رشته کشاورزی درس می‌خوانی! اگر می‌شود این دسته بیل را مرمت کن که نخواهم بروم بخرم!» همین که گفتم این کار کار من نیست، سگرمه‌هایش را در هم کشید و گفت: «من نمی‌دانم در این هنرستان‌ها چه چیزی به یاد شما می‌دهند!»



## مدیریت کار و کسب

مردی مغازه‌ای را برای به راه انداختن کار و کسبش در یک محل پر رفت و آمد اجاره کرد. روز اول که به محل کار و کسبش رفت، پشت میز خیلی شیکش نشست. داشت روی صندلی گران‌بهایش جا به‌جا می‌شد که دید مردی دارد وارد مغازه‌اش می‌شود. فکر کرد مشتری است. فوراً گوشی تلفنش را برداشت و وانمود کرد دارد یک مکالمه خیلی مهم انجام می‌دهد. برای کلاس گذاشتن، او را کمی منتظر نگه داشت و بعد گفت: «بفرمایید!»

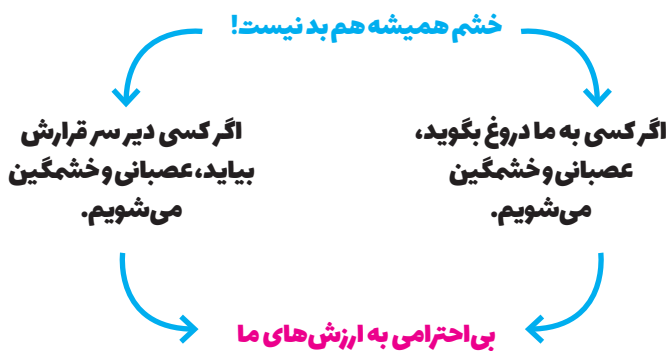
مرد گفت: «هیچ‌چی، از مخابرات اومدم. می‌خواستتم تلفن را چک کنم که دیدم وصل است و دارید صحبت می‌کنید. خداحافظ!»



۱. وقتی کارها طبق برنامه پیش نمی‌رود، عصبانی می‌شوم.
۲. دیگران عصبانی‌ام می‌کنند.
۳. زندگی باید عادلانه باشد.
۴. وقتی کارم را خوب انجام نمی‌دهم، از خودم عصبانی می‌شوم.
۵. کارها باید با روش من پیش بروند، وگرنه عصبانی می‌شوم.
۶. دنیا باید جای بهتری برای زندگی کردن شود.
۷. خانواده من مجبورم می‌کنند عصبانی شوم.
۸. خیلی چیزها باید بهتر از حالا شوند.
۹. نمی‌توانم عصبانیتم را کنترل کنم.
۱۰. وقتی آدم‌ها طوری رفتار می‌کنند که دوست ندارم، عصبانی می‌شوم.

نمره خودتان قبل از خواندن ادامه مطلب؟

تمرین: عصبانی شدن با خشونت فرق دارد. شما بگویید چه فرقی؟!



- تمرین: چهار مورد از ارزش‌هایتان را بنویسید.  
تمرین: می‌گویند خشم دو نتیجه مثبت دارد:
- انرژی بخش است؛
  - انسان را به دفاع از احساساتش تشویق می‌کند. موافقت می‌کنید؟!



## من خشمگین نیستم!

آشنایی با مدیریت خشم

از شماره پیش، سلسله مباحث مدیر خود باشیم را آغاز کردیم. در اولین شماره با مدیریت «گفت‌وگو و سازگاری با دیگران» آشنا شدیم. در این شماره روش‌های مقابله با خشم و مدیریت خشم را خواهیم شناخت.

**مدیریت خشم، مثل یاد گرفتن مهارت‌های دیگر است و به تمرین و پشتکار نیاز دارد.**

چرا خشمگین می‌شویم؟  
جمله‌های روبه‌رو را بخوانید و مقابل هر یک، بر اساس جدول، به خودتان نمره بدهید.

کا ملاً مخالفم | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | کا ملاً موافقم



نکته‌های داغ برای بچه‌های عصبانی (مهارت‌هایی برای کنترل خشم). جری وایلد. ترجمه الهام پورمحمد. نشر چ (کودک و نوجوان چشمه).

# بروز خشم، چگونه؟

## رفتاری

- پرخاشگر شدن، پرتاب کردن چیزی، ضربه زدن
- گریه، فریاد کشیدن و جیغ کشیدن
- خراب کردن وسایل
- ترک کردن موقعیت

## فکری

- فکر کردن به انتقام
- فکر کردن دائم به شخص یا حادثه روی داده
- ناتوانی در تمرکز روی درس‌ها یا فعالیت‌ها

## جسمانی

- ساییده شدن دندان‌ها روی هم
- سرخ شدن صورت
- دل‌شوره در شکم
- تنش و مورمور شدن سرتاسر بدن
- عرق کردن

## احساسی

- احساس تحت فشار بودن یا اضطراب
- میل به آسیب زدن به کسی
- افسرده شدن
- ترس از دست دادن کنترل
- احساس پراثرژی بودن

## راه‌های فرو نشانیدن و مدیریت خشم

- با خودتان حرف بزنید؛ زیاد. حواستان باشد که به سمت فرو نشانیدن خشم بروید.
- از خشمی که ایجاد شده است، خجالت بکشید (مرور منطقی خشم پدید آمده و دلایل آن).
- درباره انرژی و وقتی که با این خشم از بین رفته است، فکر کنید.
- درباره آسیبی که ممکن است خشم به دوستی‌هایتان وارد کند، فکر کنید.
- تمام اتفاقات بدی را که ممکن است در صورت بروز خشم رخ دهد، مرور کنید.
- تمام آسیب‌هایی را که ممکن است در صورت بروز خشم به خودتان وارد کنید، یا وارد شود، ذکر کنید.
- احساسات خودتان را درباره فکری که موجب بروز خشم می‌شوند، بنویسید یا نقاشی کنید یا به صورت فایل صوتی برای خودتان ضبط کنید.
- به کلمه‌های شیطانی موقع خشم فکر کنید: باید، نباید، مجبور، حتماً (جملاتی ناشی از خشم بسازید که این کلمه‌ها داخلشان باشند).
- فکری را که از ذهنتان می‌گذرد، بشنوید و باورها و فکری منطقی درست را از باورها و فکری غیرمنطقی (غلط) تشخیص بدهید.

## بازگشت به ابتدای مطلب

حالا یک بار دیگر به پرسش‌نامه ابتدای مطلب برگردید و اکنون یا بعد از چند هفته که روش‌های پیشنهادی مدیریت خشم را تمرین کردید، دوباره به پرسش‌ها جواب بدهید و نتایج را با یکدیگر مقایسه کنید:

جمع نمره‌های ارزیابی اول

جمع نمره‌های ارزیابی دوم

اگر نمره شما از قبل کمتر شده است، بگویید: «وضعیتم بهتر شده است!»  
اگر نمره شما از قبل بیشتر شده است، بگویید: «باید بیشتر تمرین کنم!»

اگر اضطراب را کم کنیم، می‌توانیم خشم را هم مدیریت کنیم.

## مدیریت اضطراب

۱. برنامه‌ریزی
۲. صحبت کردن با یک دوست
۳. نرمش کردن
۴. گوش دادن به نواهای دل‌انگیز
۵. انجام دادن کارهای هنری
۶. استراحت کردن
۷. آرام‌سازی (آرامش یا مدیتیشن)
۸. نواختن یک ساز
۹. کتاب خواندن
۱۰. انجام دادن کار مورد علاقه
۱۱. خیال پردازی
۱۲. رسیدگی به باغچه و کاشتن گیاهان
۱۳. حرکت کردن در زمان (آیا این چیزی که الان ناراحتم کرده است، دو یا پنج سال بعد هم ناراحتم می‌کند؟)
۱۴. ایستادن یا متوقف کردن تفکر درباره خشم
۱۵. پرت کردن حواس (فکر کردن به موقعیتی غالباً خنده‌دار که به عامل ایجاد خشم شما ربطی ندارد).





## تعریف استنتاج منطقی

استنتاج منطقی که آن را قیاس می‌نامند، به این معنی است که از یک یا چند گزاره مفروض با ارزش‌های معین، گزاره دیگر را نتیجه بگیریم یا اینکه ارزش این گزاره را معلوم کنیم.

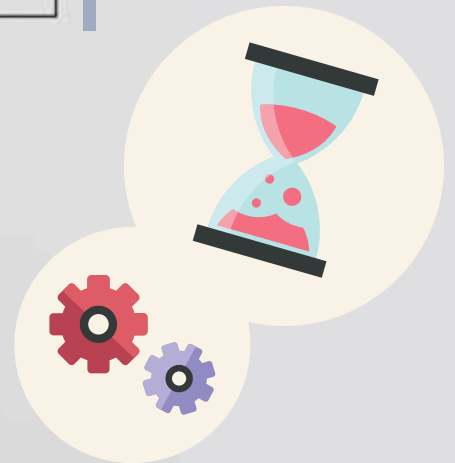
حالا چند نمونه استنتاج منطقی:

۱. در ادامه چه ماهی می‌آید؟

- فروردین
- اردیبهشت
- تیر
- مهر
- بهمن
- تیر
- ؟

۲. به جای علامت سؤال چه عددی بگذاریم؟

۱۵۶۳	۶۸۲۹	۵۸۲۱
۹ ۸ ۸ ۲	؟	۸ ۸ ۵ ۷
۷۲۹۴	۳۰۵۶	۳۶۵۴



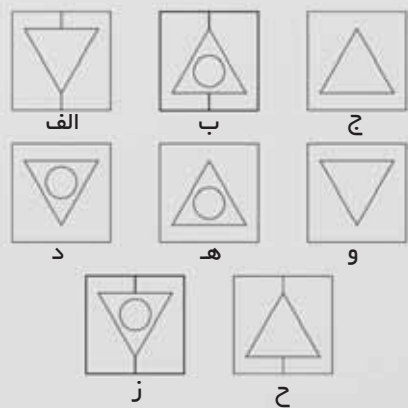
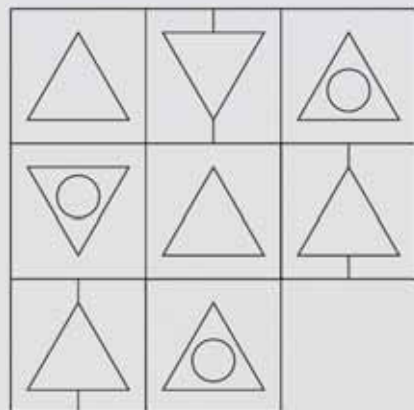
۴. عددی که جای علامت سؤال را می‌گیرد چیست؟

۱۳	۲۹	۳۱
۱۹   ۸	۱۵   ۱۱	۳۳   ؟

۳. اگر ۷۸۹۶۴۳۲ با ۹۸۷۲۳۴۶ رابطه داشته باشد و عدد ۹۲۴۷۱۸۳ ، آنگاه عدد ۸۶۲۹۴۷۱ با چه عددی همین رابطه را دارد؟

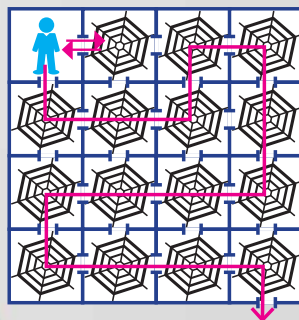


۵. جای خالی را کدام یک از تصویرها پر می کند؟



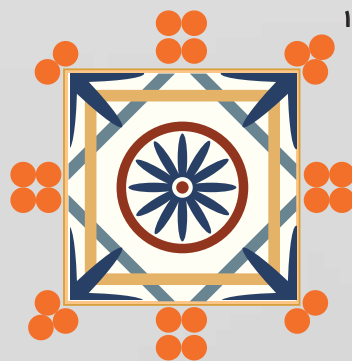
پاسخ سرگرمی‌های شماره ۱

۳



۴: رشد هنرجو  
راه‌نمایی: شایک

۱



۲: نابغه  
راه‌نمایی: کیبورد



# اعتقاد الکترونیک

استارت‌آپ‌ها و کار و کسب‌های نوپا ممکن است در راه‌اندازی یا توسعه کار و کسب خود با مسائل و مشکلات متعدد حقوقی مواجه باشند. در این شماره و چند شماره آینده تلاش می‌کنیم مهم‌ترین تهدیدهای حقوقی استارت‌آپ‌ها را که ممکن است مشکلاتی حقوقی برای کار و کسب نوپا ایجاد کنند، شرح دهیم:

## غیرقانونی بودن فعالیت

اگرچه اصولاً انواع فعالیت‌های تجاری در هر کشوری آزادند، اما به هر حال قوانین هر کشوری برای فعالیت تجاری در برخی زمینه‌ها محدودیت یا ممنوعیت ایجاد کرده است. این موضوع منحصر به ایران نیست و حتی کشورهایی هم که سیاست‌های کلان خود را بر اقتصاد آزاد بنا کرده‌اند، اجازه فعالیت در برخی عرصه‌ها را برای برخی افراد محدود کرده یا به‌طور کل فعالیت در آن زمینه‌ها را برای همه ممنوع کرده‌اند.

اگر شما نیز قصد راه‌اندازی یک استارت‌آپ را دارید، حتماً باید پیش از اقدام به راه‌اندازی کار و کسب جدید خود، با بررسی قوانین و مقررات کشور و مشورت با چند وکیل خوب یا حقوقدان خبره، مطمئن شوید آیا فعالیت مورد نظر شما با قوانین کشور مغایرتی دارد یا نه؟ برای اینکه

موضوع کمی واضح‌تر شود، در ادامه چند دسته از فعالیت‌های ممنوع را بررسی می‌کنیم:

### معامله روی کالاهایی که در شرع یا قانون ممنوع شده‌اند

بسیاری از کالاها و خدمات، ولو اینکه در سایر کشورها ارزشمند دانسته شوند، به‌موجب قوانین ایران و اسلام بدون ارزش تلقی می‌شوند. دادگاه‌ها به هیچ وجه آن‌ها را مال تلقی نمی‌کنند و به ادعاهایی که در مورد آن‌ها باشد رسیدگی نمی‌کنند.

برای مثال، خرید و فروش مواد مخدر، ویروس‌های اینترنتی، ابزار هک، فیلترشکن و سلاح ممنوع است و اگر مثلاً شخصی یک فروشگاه اینترنتی برای فروش نرم‌افزارهای هک ایجاد کند، علاوه بر اینکه نمی‌تواند از دادگاه بخواهد خریدار را به پرداخت پول خرید آن محکوم



کند، احتمالاً بر اساس قوانین کیفری کشور به مجازات‌هایی نیز محکوم خواهد شد.

### معامله با اهداف نامشروع و غیرقانونی

به موجب قانون مدنی ایران، هرگونه معامله و قراردادی که با هدف انجام امور غیرقانونی و غیر مشروع منعقد شود، باطل است و هیچ اثر قانونی ندارد.

برای مثال، از آنجا که اعمالی مثل قماربازی و شرط‌بندی، کار چاق‌کشی، سرخ‌ری و رشوه‌دادن غیرقانونی محسوب می‌شوند، اگر شخصی یک استارت‌آپ برای آسان‌تر کردن یافتن افراد رشوه‌گیر در اداره‌ها دایر کند یا سیستمی نرم‌افزاری برای دور زدن اداره مالیات طراحی کند و آن را به فروش برساند یا استارت‌آپی را مبتنی بر اختراعی که دزدی از خودپرداز بانک‌ها را تسهیل می‌کند، شکل دهد، کلیه قراردادهایی که برای فروش این محصولات منعقد کرده است، باطل تلقی می‌شوند و او نه تنها نمی‌تواند بر اساس این قراردادها در دادگاه حقوق خود را از دیگران مطالبه کند، بلکه احتمالاً به جرم معاونت در ارتکاب این جرائم هم محکوم و مجازات خواهد شد.

### فعالیتی که جرم تلقی می‌شود

در هر کشوری، انجام برخی از اعمال و رفتارها جرم تلقی می‌شود و انجام آن‌ها مجازات دارد. در کشور ایران نیز بالغ بر دو هزار جرم وجود دارد و با توجه به یک قاعده مشهور حقوقی که می‌گوید «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست»، اگر شخصی مرتکب یکی از این چند هزار عنوان مجرمانه شود، بر اساس قانون، مجازات‌هایی چون حبس، شلاق و جزای نقدی در انتظار اوست.

با توجه به این توضیح اولیه، تصور کنید کارآفرینی قصد توسعه یک استارت‌آپ با موضوع ارائه تسهیلات (وام) با بهره، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی را داشته باشند. از آنجا که چنین وامی خارج از سیستم بانکداری اسلامی است و به‌منزلهٔ ربا خواهد بود، گردانندگان این سامانه، باید علاوه بر منع فعالیت، همواره منتظر مجازات جرم رباخواری باشند.

### دریافت نکردن مجوز

در غالب موارد، فعالیت مورد نظر استارت‌آپ از نظر قوانین کشور و شرع مجاز است، اما انجام آن به دریافت مجوز از سازمان‌ها و نهادهای خاصی نیاز دارد. واضح است، اگر شخصی بدون دریافت مجوز به راه‌اندازی کار

و کسبی اقدام کند، پایانی جز فیلترینگ و دستور توقف فعالیت در انتظار او نیست. به‌طور کلی، کار و کسب‌های مجازی و استارت‌آپ‌ها باید به دنبال سه نوع مجوز باشند:

### پروانه کسب (مجوز صنفی)

اگر کار و کسبی که قرار است راه‌اندازی کنید از جمله مشاغل صنفی است (یعنی صنف مشخصی برای آن وجود دارد)، پیش از هر اقدامی باید به دنبال پروانه کار و کسب خود از صنف مربوطه باشید. اگر با وجود جست‌وجو نتوانستید صنف مشخصی برای کار و کسب خود پیدا کنید، می‌توانید مجوز صنفی خود را از اتحادیه کار و کسب‌های مجازی دریافت کنید.

### نماد اعتماد الکترونیک

کار و کسب‌های مجازی که فعالیت تجاری دارند، علاوه بر دریافت پروانه کسب یا همان مجوز صنفی، مجوز دیگری با عنوان «ای‌نماد» نیز نیاز دارند. بنابر تعریف ارائه‌شده در سایت ای‌نماد، «ای‌نماد نشانه‌ای نمادین است که منحصرأً توسط مرکز توسعه تجارت الکترونیکی صادر می‌شود و به کار و کسب‌های مجازی (کار و کسب اینترنتی و موبایل) مجاز، با هدف سامان‌دهی، و احراز هویت و صلاحیت آن‌ها اعطا می‌شود. این نماد پس از بررسی درگاه (وب‌سایت) و احراز هویت و صلاحیت مالک (حقیقی یا حقوقی) آن، برای مدت یک سال صادر می‌گردد.»

دریافت درگاه پرداخت اینترنتی از بانک‌ها، منوط به دارا بودن نشان «ای‌نماد» است. جزئیات بیشتر دربارهٔ ای‌نماد و فرایند اخذ آن را می‌توانید در «[enamad.ir](http://enamad.ir)» بخوانید.

### مجوز سامان‌دهی

وب‌سایت سامان‌دهی به نشانی «[samandehi.ir](http://samandehi.ir)» را که به مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وابسته است، می‌توان مرجع احراز هویت مدیران تمام پایگاه‌های اینترنتی دانست. در واقع این سامانه وظیفه دارد اطلاعات مدیران تمام سایت‌ها و سامانه‌های اینترنتی را جمع‌آوری کند. مهم‌ترین مزیت ثبت‌نام در سایت سامان‌دهی و دریافت نماد طلایی آن را می‌توان جلوگیری از فیلترینگ سریع و بدون اطلاع دانست.



نماد اعتماد الکترونیک

### رسیده و نارسیده

در این صفحه داریم مطالبی را که شما عزیزان برای این ماهنامه فرستاده‌اید نقد و بررسی می‌کنیم. باشد که قبول افتد و در نظر آید! نوبت به داستانی رسیده که معصومه ارجمندی از کرج برایمان فرستاده‌است:

مثلاً آموزش

محسن ۱۴ ساله می‌خواست درسی را که یاد گرفته بود به خواهر پنج ساله‌اش یاد بدهد. یک بسته کبریت آورد. چوب‌های داخل آن را در آورد. چند تاس از آن‌ها را آتش زد، با فوت خاموش کرد و کنار چوب کبریت‌های دیگر گذاشت. بعد به خواهرش گفت: این چوب کبریت‌های سوخته مثل روزهای گذشته زندگی هستند که هر کاری کنی دیگر روشن نمی‌شوند و فقط دست‌هایت را سیاه می‌کنند. پس سعی کن روزهای زندگی‌ات را بی‌خودی نسوزانی! کلاس درس به خوبی و خوشی تمام شد و گذشت، تا بعد از ظهر که خانم همسایه دختر چهار ساله‌اش را آورد تا با خواهر محسن بازی کند. مدتی نگذشته بود که محسن دید بوی دود در فضا پیچیده‌است و به دنبال آن هم فریاد «آتش آتش» به گوش رسید. محسن به طرف اتاق دوید. وقتی رسید، دید خواهرش آمده تا درسی را که از او گرفته‌است، به دختر همسایه یاد بدهد و با کبریت بی‌خطر، کار را به جای خطرناک کشانده. بعدش هم کاسه کوزه‌ها را سر محسن شکستند و از او تعهد گرفتند که دیگر هر درسی را فرا می‌گیرد به خواهر کوچولوش آموزش ندهد.

خانم معصومه ارجمندی! داستانتان معیارهای یک داستان خوب را دارد. پیامش این است که آموزش باید با توجه به سن و سال افراد باشد، وگرنه بدآموزی می‌شود. هر چند که آن را به هر حال چاپ کردیم، اما هنوز با داستانی که قابل چاپ باشد فاصله دارد. بیشتر تمرین کنید. حتماً داستان نویس خوبی خواهید شد.

### ماسک

این روزها مدل‌های متنوع ماسک‌زدن را می‌بینیم؛ بعضی‌ها فقط چانه یا فک پایینشان را با آن می‌پوشانند، برخی‌ها گلویشان را. گروهی آن را مثل عینک آفتابی روی سرشان قرار می‌دهند و افرادی هم ماسک را فقط روی دهانشان می‌کشند که بینی‌شان برای تنفس آزاد باشد. جالب‌تر اینکه ما، البته بعضی‌هایمان، وقتی به هم می‌رسیم، ماسکمان را برای سلام و احوال‌پرسی بر می‌داریم؛ مثل کلاه که به احترام هم آن را بر می‌دارند.

اما دیروز پسر همسایه دیوار به دیوارمان را دیدم که یک ماسک روی دهان و بینی‌اش کشیده بود و یک ماسک هم روی سرش. علت این کار را که جویا شدم، گفت: «ماسکی که روی دهنم کشیده‌ام به خاطر کروناست. ماسکی هم که روی سرم کشیده‌ام، برای پیشگیری از این است که ویروس وارد مخم نشود و هنگ نکنم.»

پرسیدم: «مگر ویروس کرونا وارد مخ می‌شود؟»  
گفت: «حالا هر ویروسی!»

این نثر طنز را محسن پاک‌طینت از ساری برایمان فرستاده‌است که طنز مایه به‌نسبت خوبی دارد، اما نویسنده نتوانسته آن را با پایان‌بندی مناسبی به آخر برساند. در واقع دیالوگ‌های پایانی تمام طنز نوشته را گرفته و شده مثل ماکارانی‌ای که ته‌دیگ آن سوخته باشد. منتظر دریافت آثار بهتری از محسن پاک‌طینت هستیم.

این شعر را کریم ناصربیگی از تهران برای ماهنامه فرستاده‌است:

### در گروه

بس که سرگرمیم و بهتر در گروه  
می‌رویم از صبح یک‌سر در گروه  
در همایش، بانک، مترو، هر کجا  
نصف آن ور، نصف این ور، در گروه  
زنگ تاریخ است اما بچه‌ها  
از وسط تا میز آخر در گروه  
وقت مهمانی، عموها، خاله‌ها  
عمه‌ها، خواهر، برادر، در گروه  
بابک آقا روی خوش‌خوایش دراز  
بی خیال زخم بستر، در گروه

آقای کریم ناصربیگی! آدم با مرام هر شعری را که در کتابی یا فضای مجازی دید بر نمی‌دارد به نام خودش کپی پیست کند و بفرستد به صفحه‌ای، جشنواره‌ای یا دفتر مجله‌ای. شعر صاحب و سراینده دارد. مال بی‌صاحب نیست که! دمار از روزگار شاعرش در آمده تا آن را سروده است.  
منتظر دریافت شعری هستیم که از سروده‌های خودتان باشد!



## از غوره تا مویز

رضافلاحی مطلق  
هشتمین جشنواره عکس رشد





متم تو رو خیلی دوست دارم... می خوام بکارمت درختت دربیاد!

مامان... کجا بودی تا حالا؟

چه سریع و جالب!! از چه شیوه های این سبب ها رو عمل اوری کردی؟

خانوم! خیلی شیک از میوه فروشی سرکوپه!!!

من این کلیپس رو خیلی دوست دارم! می کام تا درختش دربیاد

خانوم اجازه، این مترسک با کلاخا دوسته

عجیبه، این درخت به جای سبب سنجاب تازه!!

نگران نباش... الان نجات میدیم!

ریگه دیره!!

آخ جون... اینم درخت مکانیکی!

چی شده مینا!؟

هیچی... چندتا دونه لوبیا توی کنسرو هونته بود، کاشتم هرچی سبز کردم سبز نشد!!!